

خدا
دانش
آگاہی

...



گروه انتشارات کاکو

بیسترس

دوز ۴۰٪

سرشناسه: جواهریان، ناهید
عنوان: بیسترس فلسفه دوازدهم (دوز ۴۰٪)
مشخصات نشر: تهران، انتشارات کاگو
فروست: از مجموعه کتاب‌های مرجع کنکور کاگو
شابک: ۹-۵۳۶-۴۵۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیهای مختصر
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۲۵۲۳۸

ناشر: گروه انتشاراتی کاگو

برند نشر: مرجع کنکور

گروه محصول: بیسترس

عنوان: بیسترس فلسفه دوازدهم (دوز ۴۰٪)

مؤلف: ناهید جواهریان

مسئول پروژه تالیف: پرستو منفرد

دستیار علمی تالیف: مهسا اصغری

ویراستار علمی: محمد مهدی مشایخی

طراحی جلد: قاسم بیرانوند

گرافیت متن: بهار قربانی

چاپخانه: واژه پرداز اندیشه

صحافی: واژه پرداز اندیشه

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۵۰۰

شابک: ۹-۵۳۶-۴۵۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۰۸۰۰۰ تومان

این محصول معاف از مالیات می‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات کاگو محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی، حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از دیجیتال، فتوکپی، چاپ کتاب و حتی برداشت از دست‌نویس را ندارد. متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروژ، پلاک ۳۸، ساختمان کاگو

تلفن: ۰۲۱-۵۳۸۸۵ پیامک: ۱۰۰۰۵۳۸۸۵ صندوق پستی: ۱۳۱۴۶۹۳۱۷۱

کاکو: توسعه و انتشار محتوای ناب 021-53885 KGOOPUB KGOO.IR @

مقدمه ناشر

● مأموریت کاگو

افزایش سطح دسترسی به محتوای ناب، معتبر و ارزشمند از طریق روش‌های روزآمد و خلاقانه توسعه محتوا برای تجربه متفاوت خواندن، مطالعه و یادگیری مخاطبان

دانش آموزان عزیز، معلمان و مشاوران دل‌سوز و صدالبته اساتید و دانشمندان آینده سرزمینمان!

نزدیک به سی سال است که کاگو، با تمرکز بر تألیف و انتشار کتاب‌های آموزشی، برای شما جویندگان و آموزندگان دانش در ایران می‌کوشد. اکنون، که افتخار این را داشته‌ایم که هم‌گام با مخاطبانمان رشد کنیم و بلوغی نسبی را تجربه کنیم، بر آن شده‌ایم اندوخته‌هایمان را در این زمینه برای ارائه خدمتی تازه روی دایره بریزیم!

ما در این راه، نخست وظایف خود را در جایگاه ناشر بازخوانی کردیم و یقین یافتیم «مدیریت نشر» مهم‌ترین شاخصه هر انتشاراتی است و ساده‌انگارانه است اگر از مدیریت علمی و آکادمیک نشر چشم‌پوشیم. از این‌رو برای کشف، خلق و توسعه بهترین رویکردها و شیوه‌های مدیریتی از بهترین و دست‌اول‌ترین منابع و کارآموده‌ترین اساتید و مشاوران بهره‌گرفتیم.

سپس مهم‌ترین رسالتمان را پیش چشم آوردیم: «تولید محتوای ناب»!

همه می‌دانیم مؤلفان کتاب‌های کمک‌درسی و ناشران آموزشی سال‌هاست کتاب‌هایشان را با ساختاری ساده، معطوف و برگرفته از کتاب‌های درسی، منتشر می‌کنند و خوش‌بینیم اگر تصور کنیم در این راه به محتوای تولیدی همکارانشان حداقل نیم‌نگاهی نداشته‌اند. ثابت بودن محتوای کمک‌درسی و سختی طراحی درسنامه‌ها و آزمون‌های متنوع از یک‌سو و ایجاد تغییرات ماهیتی در نحوه ورود به دانشگاه‌ها از سوی دیگر، اخیراً کتاب‌های آموزشی را مهجور و بی‌جان کرده بود.

با همه این اوصاف، تجربه نشان داد در دوران همه‌گیری کرونا و پس از آن، کتاب در دسترس‌ترین، ارزان‌ترین و سهل‌ترین ابزار آموزش و توسعه دانش بوده و هست. از این رو، ما بر آن شدیم به سیاق دیگر ناشران کمک‌آموزشی عمل نکنیم و طرحی نو دراندازیم. بنابراین، محتوای تولیدی‌مان را بازتعریف کردیم و کوشیدیم این پادشاه بزرگ را ناب بیافرینیم و آن را توسعه بخشیم. ما در این راه هر آن‌چه با تقلید از آثار و ایده‌های دیگران به رشته تحریر درآمد را محتوا ندانستیم، اما گاه نقطه‌ای سیاه بر صفحه‌ای سفید را بسیار غنی و سرشار از معنا یافتیم!

سال‌ها همراه با شما امتحانات و حتی گاه کنکورهای دشواری را از سرگذراندیم تا توانستیم «ناب‌بودن» را در جایگاه صفتی شایسته، در کنار ارزشمند بودن و اعتبار در مأموریت اصلی کاگو و به تبع آن در محتوای نشرمان بگنجانیم.

منظور ما از کلیدواژه ناب، توسعه دائمی جریان محتوای با ارزش، خالص و کمال‌یافته است و عبارت معتبر به انتخاب و پردازش محتوای درست و استاندارد اشاره می‌کند و کلیدواژه ارزشمند به معنی کاربردی و ارزش‌آفرین بودن برای مخاطب است.

اکنون افتخار می‌کنیم که توشه سالیانمان و حاصل رنج سی‌ساله‌مان را ناب، ارزشمند و معتبر در قالب محصولی نو برای شما به ارمغان آوردیم و برای به بار نشاندن این صعود، تجربه گذشته و نوآوری را درکوله‌بارمان گذاشته‌ایم.

شعار فعلی ما این است که متخصص تولید محتوای ناب، معتبر و ارزشمند هستیم!

محمد رضا سالکی

مدیر مسئول سازمان انتشاراتی کاگو

ویژگی‌های کتاب

مفاهیم کلیدی (TBC)

تمام محتوای کلیدی طبقه‌بندی شده هر درس، منطبق با کتاب‌های درسی، در قالب فهرستی آورده شده است. هر TBC یک کد یکتا و سریالی در کتاب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم دارد. محتوای کتاب حاضر بر اساس توالی این کدها آورده شده است. در بخش درسنامه و سوالات کتاب به صورت (۱۳۳) و در بخش پاسخنامه به صورت [] نشان داده شده است.

TBC پرتکرار

بسته به تکرار شدن یک TBC در امتحانات نهایی ۴ سال اخیر، TBC هایی با علامت (۱۳۳+) مشخص شده‌اند که دلالت بر اهمیت آن TBC در امتحانات نهایی دارد.

آزمون تشخیصی (ورودی)

برای هر فصل/درس، یک آزمون تشخیصی به عنوان ورودی فصل طراحی شده است. در آزمون تشخیصی به ازای هر TBC، یک تا سه سوال طراحی شده است که کلیت TBC را پوشش می‌دهد. در این آزمون شماره هر سوال، با شماره TBC متناظر آن یکسان است. پاسخ‌گویی صحیح به این سوالات نشان‌دهنده آشنایی با کلیات مفهومی مطالب آن TBC است.

علامت بلد بودم/ نبودم

در مقابل هر سوال آزمون تشخیصی دو مستطیل (بلد بودم/ نبودم) قرار داده شده است. شما می‌توانید وضعیت درستی پاسخ‌گویی به هر سوال را علامت بزنید که بتوانید در زمان مطالعه صرفه‌جویی و نقاط ضعف خود را بر اساس tbc مشخص نمایید.

زمان مطالعه

برای درسنامه و تمرین‌های امتحانی و آزمون‌های هر بخش (با توجه به حجم دشواری آن بخش) "حداکثر" زمان مطالعه آورده شده است. همچنین بعد از مطالعه زمان فعالیت شما در مستطیل کناری ثبت می‌شود تا تفاوت حداکثر زمان قابل انجام و زمان خودتان را متوجه شوید.

بدهمی رایج

اشکالات آموزشی پرتکرار و رایج برای دانش‌آموزان در کلاس درس، در قالب بدهمی رایج در درسنامه ارائه شده‌اند.

سوالات ستاره‌دار

در کنار بعضی سوال‌ها علامت * وجود دارد. این علامت نشان‌دهنده اهمیت یا تکرار بیشتر در امتحانات نهایی اخیر است.

سوال‌های ویژه امتحان برای کنکور

در انتهای تمرین‌های هر فصل/درس سوالات تشریحی مفهومی تر و دشوارتر از امتحانات نهایی و تستی آورده شده است که دانش‌آموز تا حدودی با سوالات دشوارتر امتحانات نهایی پیش‌رو سوالات کنکور آشنا شود.

جدول نشانگر TBC

در انتهای تمرین‌های امتحانی و سوال‌های ویژه امتحان، جدولی آورده شده است که نشانگر کدهای TBC مربوط به هر سوال است تا در صورت عدم پاسخ‌گویی صحیح به هر سوال، به راحتی بتوانید شماره TBC مربوطه را بیابید.

جدول بودجه‌بندی امتحانات و پیام مشاوره

پیش از آغاز آزمون‌های دی و خرداد، جدول بودجه‌بندی آموزش و پرورش در امتحانات دی، خرداد و شهریور به همراه پیام مشاوره‌ای برای نحوه مطالعه و پاسخ‌گویی به سوالات امتحانات نهایی آورده شده است.

امتحانات دی و خرداد

در بخش آزمون‌ها، ۲ آزمون دی ماه (نوبت اول) از مدارس معتبر و ۴ آزمون خرداد یا شهریور ماه (نوبت دوم) از آخرین امتحانات نهایی برگزار شده و کاملاً در قالب امتحانات نهایی هر درس قرار داده شده است. دانش‌آموز از این طریق بیشتر و بهتر با سوالات امتحانات نهایی و شرایط برگه امتحان آشنا می‌شود.

فلش کارت

در انتهای کتاب، فلش‌کارتی قرار داده شده است که حاوی مهمترین و پرتکرارترین مطالب امتحان‌های نهایی است، به گونه‌ای که دانش‌آموز بتواند ۴ تا ۵ ساعت پیش از امتحان کل کتاب را به خوبی مرور کند.

بوک استوری

در انتهای کتاب بخشی به صورت تصویری/نموداری از کلیات مفاهیم TBC و در قالب ۴ صفحه چهاررنگ آورده شده است تا دانش‌آموز بتواند به راحتی مهم‌ترین مطالب کتاب را با صرف کمترین زمان ممکن، مرور کند.

کیوآرکد محتوای بیشتر

در فهرست و بوک استوری، کیوآرکدی جهت بارگذاری محتوا و آزمون‌هایی متناسب با آخرین تغییرات امتحانات نهایی و محتوای اضافه‌تر از کتاب قرار داده شده است که در طول سال به روز رسانی خواهد شد.

شماره ایندکس (جانگشتی)

در لبه کتاب، جا انگشتی‌های چاپی قرار داده شده است که با آن‌ها کدهای tbc را سریع‌تر بیابید.

جدول ارزش محتوایی کتاب

این جدول برای اولین بار برای نمایش ارزش محتواهای داخل کتاب برای مخاطبان، معلمان و مشاوران طراحی و ارائه شده است. از این طریق مخاطب با حقایق محتوای ارائه شده مواجه شده و راحت‌تر برنامه‌ریزی می‌کند.

جدول حقایق ارزش محتوایی کتاب

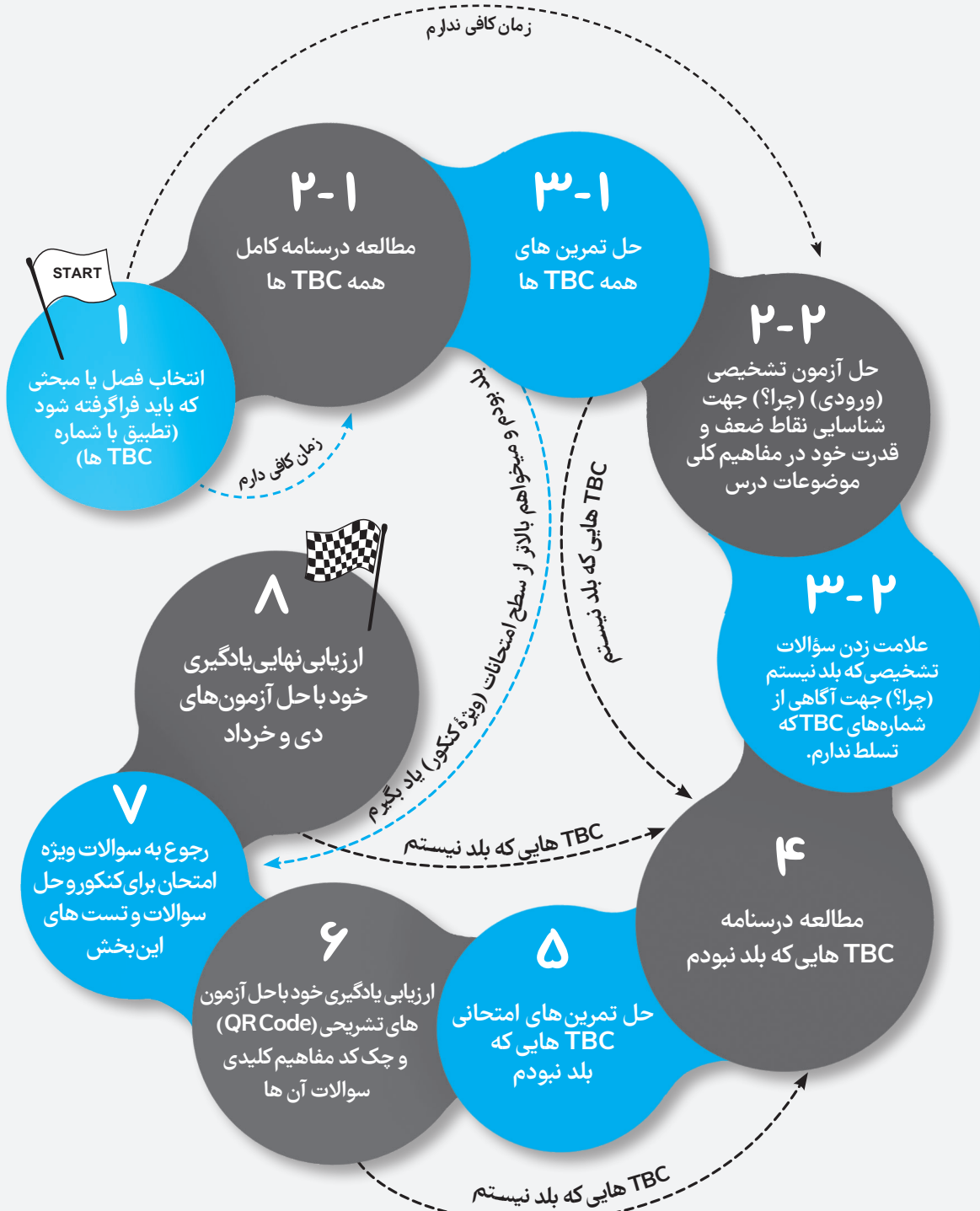
Content Facts

تعداد صفحه کتاب	۱۴۶
تعداد کل TBC ها	۶۵
تعداد TBC های پرتکرار	۱۷
تعداد کل سوالات	۹۶۶
تعداد سوالات امتحان نهایی	۷۰
تعداد سوالات پرتکرار	۱۸۶
کل زمان مورد نیاز برای مطالعه	۲۴ ساعت و ۵ دقیقه

یک دانش‌آموز متوسط باید چگونه باشد؟

تعداد ساعت مطالعه در هفته	۲
تعداد سؤال مورد نیاز در هفته	۳۰

نحوه استفاده از کتاب



فهرست مطالب

درس اول: هستی و چیستی

- ۱۳۸ هستی و چیستی
- ۱۳۹ قدم نخست: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی
- ۱۴۰ قدم دوم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی
- ۱۴۱ + قدم سوم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی
- ۱۴۲ + قدم چهارم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی
- ۱۴۳ گذری تاریخی

درس دوم: جهان ممکنات

- ۱۴۴ نسبت‌های سه گانه در قضایا
- ۱۴۵ + رابطه وجود با موضوع‌های مختلف
- ۱۴۶ + امکان ذاتی

درس سوم: جهان علی و معلولی

- ۱۴۷ رابطه علیت
- ۱۴۸ تفاوت رابطه علیت با سایر روابط
- ۱۴۹ + منشأ درک و پذیرش رابطه علیت از نظر فیلسوفان اروپایی
- ۱۵۰ + منشأ درک و پذیرش رابطه علیت از نظر فیلسوفان مسلمان
- ۱۵۱ سنخیت علت و معلول
- ۱۵۲ وجوب علی و معلولی
- ۱۵۳ خلاصه و نتیجه

درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟

- ۱۵۴ نظریه‌هایی درباره وجود اتفاق در جهان
- ۱۵۵ معنای اتفاق
- ۱۵۶ + بررسی معنای اول و دوم اتفاق
- ۱۵۷ + بررسی معنای سوم اتفاق
- ۱۵۸ بررسی معنای چهارم اتفاق

درس پنجم: خدا در فلسفه - قسمت اول

- ۱۵۹ + دوره یونان باستان
- ۱۶۰ + دوره جدید اروپا
- ۱۶۱ باور به خدا و معناداری زندگی
- ۱۶۲ بحران معناداری زندگی

درس ششم: خدا در فلسفه - قسمت دوم

- ۱۶۳ خدا در فرهنگ و تفکر ایرانی - اسلامی
- ۱۶۴ استدلال فارابی
- ۱۶۵ استدلال ابن‌سینا
- ۱۶۶ بیان ملاصدرا
- ۱۶۷ فلاسفه مسلمان و معناداری حیات

درس هفتم: عقل در فلسفه - قسمت اول

- ۱۶۸ بیوند عقل و فلسفه
- ۱۶۹ مقصود فیلسوفان از عقل
- ۱۷۰ + عقل در یونان باستان
- ۱۷۱ + عقل نزد فیلسوفان دوره جدید اروپا

درس هشتم: عقل در فلسفه - قسمت دوم

- ۱۷۲ عقل در ایران قبل و پس از ورود اسلام
- ۱۷۳ + دلایل مخالفت با عقل در اسلام
- ۱۷۴ نظر فیلسوفان مسلمان درباره عقل به عنوان موجود متعالی
- ۱۷۵ + نظر فیلسوفان مسلمان درباره عقل به عنوان دستگاه تفکر
- ۱۷۶ رابطه میان دین و فلسفه

درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام

- ۱۷۷ حیات عقلی در اسلام
- ۱۷۸ زمینه‌های رشد فلسفه
- ۱۷۹ حکمای مشاء
- ۱۸۰ مقام علمی و فلسفی فارابی
- ۱۸۱ + فلسفه سیاسی فارابی

درس دهم: دوره میانی

- ۱۸۲ شیخ‌الرئیس فلسفه
- ۱۸۳ تألیفات ابن‌سینا
- ۱۸۴ + طبیعت‌شناسی ابن‌سینا
- ۱۸۵ حکیم اشراقی
- ۱۸۶ پایه‌گذار مکتب اشراقی
- ۱۸۷ + اشراق نور
- ۱۸۸ دسته‌بندی جویندگان معرفت

درس یازدهم: دوران متأخر

- ۱۸۹ رابطه فلسفه و علم کلام
- ۱۹۰ صاحب حکمت متعالیه
- ۱۹۱ تألیفات ملاصدرا
- ۱۹۲ حکمت متعالیه
- ۱۹۳ اصالت وجود
- ۱۹۴ وحدت حقیقت وجود
- ۱۹۵ مراتب داشتن وجود

درس دوازدهم: حکمت معاصر

- ۱۹۶ ورود فلسفه‌های اروپایی به ایران در دوره معاصر
- ۱۹۷ وضعیت حیات فلسفی در دوران معاصر
- ۱۹۸ حکیم و عارف مجاهد
- ۱۹۹ تربیت شاگردان
- ۲۰۰ حکیم بزرگ معاصر
- ۲۰۱ اقدامات علمی و فرهنگی
- ۲۰۲ الگویی از نظام فکری و عملی
- ۲۰۳ جدول بودجه‌بندی
- ۲۰۴ آزمون شماره (۱)
- ۲۰۶ آزمون شماره (۲)
- ۲۰۸ آزمون شماره (۳)
- ۲۱۰ آزمون شماره (۴)
- ۲۱۲ آزمون شماره (۵)
- ۲۱۴ آزمون شماره (۶)
- ۲۱۶ پاسخ‌نامه آزمون‌ها
- ۲۱۸ فلش کارت



۱۳۸ هستی و چیستی

۱۳۹ قدم نخست: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی

۱۴۰ قدم دوم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی

۱۴۱ قدم سوم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی

۱۴۲ قدم چهارم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی

۱۴۳ گذری تاریخی

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

بلدردوم بلدنیوم

۱۳۸ چند عبارت از عبارات زیر نادرست است؟

- از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها مفهوم هستی است که معمولاً در کنار چیستی به کار می‌رود.

- از مباحث اولیه فلسفه درک دو مفهوم هستی و چیستی است.

- یکی از امور مورد توجه فلاسفه تعیین نسبت میان هستی و نیستی است.

(الف) یک (ب) هیچ‌کدام (ج) سه (د) دو

۱۳۹٫۱ رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است؟

۱۳۹٫۲ رفتار طبیعی یک فرد که به هنگام تشنگی به سراغ آب می‌رود کدام اصل فلسفی را به خاطر می‌آورد؟

۱۴۰٫۱ استفاده فرد از کلمه «این یا آن چیست» نشان‌دهنده چه چیزی است؟

۱۴۰٫۲ چند عبارت از عبارات زیر درست است؟

- هر موجودی ویژگی‌های مخصوص به خود دارد که در منطق و فلسفه آن را ذاتیات یک شیء می‌گویند.

- ویژگی‌های مخصوص به هر موجودی آن را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند.

- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند دو جنبه می‌یابد (الف) موجود بودن (ب) چیستی داشتن

- وجود جنبه مشترک متمایز موجودات است و ماهیت وجه اختصاصی موجودات است.

(الف) یک (ب) دو (ج) سه (د) چهار

۱۴۱٫۱ تفاوت نگاه فلسفی و نگاه علمی به موجودی مانند آب چگونه است؟

۱۴۱٫۲ چند عبارت از عبارات زیر نادرست هستند؟

- فارابی فیلسوف بزرگ مسلمان به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز وجود و ماهیت نکاتی را مطرح کرد.

- ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و بیان می‌کرد که هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیز هستند.

- به نظر ابن‌سینا هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند که به معنای این است که آن‌ها دو جزء از یک موجود هستند.

- هستی و چیستی دو جزء از یک موجود نیستند که با هم ترکیب شده باشند بلکه دو مفهوم از یک چیز هستند.

(الف) یک (ب) دو (ج) سه (د) چهار

۱۴۲٫۱ یک دلیل برای مغایرت وجود و ماهیت ذکر کنید.

۱۴۲٫۲ برای حمل وجود به یک مفهوم نیازمند دلیل هستیم. این دلیل‌ها از چند راه به دست می‌آیند؟

۱۴۳ چند عبارت از بین عبارات زیر درست است؟

- اصل علیت از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.

- مغایرت وجود و ماهیت پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا است.

- مغایرت وجود و ماهیت پایه برهان خدانشناسی توماس آکوئیناس از فیلسوفان بزرگ اروپا بود.

- پایه‌گذار مکتب «تومیسیم»، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد بود.

- با فرصتی که توماس آکوئیناس به وجود آورد فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی و ابن‌رشد آشنا شدند و مجدد با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کردند.

(الف) چهار (ب) سه (ج) پنج (د) دو

پاسخ

۱۳۸ گزینۀ «الف»

۱۳۹٫۱ صفحه ۲ کتاب درسی

۱۴۰٫۱ صفحه ۳ کتاب درسی

۱۴۰٫۲ گزینۀ «الف»

۱۴۱٫۱ گزینۀ «ب»

۱۴۲٫۱ صفحه ۵ کتاب درسی

۱۴۳ گزینۀ «د»

۱۳۹٫۲ صفحه ۲ کتاب درسی

۱۴۱٫۱ صفحه ۴ کتاب درسی

۱۴۲٫۲ صفحه ۵ کتاب درسی



۱۳۸ هستی و چیستی

- ۱- یادآوری فلسفه: دانشی که عهده‌دار بررسی قانونمند سؤالات و موضوعات اساسی و بنیادی است.
- ۲- موضوع فلسفه: اصل وجود، حقیقت جهان، طبیعت و انسان.
- ۳- روش فلسفه: مبتنی بر استدلال عقلی است یعنی می‌توان با تفکر و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به کشف مجهول و حل مسئله نزدیک شد.
- ۴- ارسطو فیلسوف یونانی پیش از میلاد است که انسان را به حیوان ناطق تعریف می‌کند که منظور از نطق تفکر و تعقل است یعنی وجود انسان آمیخته‌ای از جسم و قدرت تفکر است.
- ۵- حمل یک امر ذاتی بر ماهیت دلیل نمی‌خواهد، نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شده که حیوان ناطق را بر انسان حمل کنند.

هستی و چیستی (وجود و ماهیت) } ۱- از پرکاربردترین مفاهیم بین انسان‌ها است.
 ۲- درک و تعیین نسبت میان این دو مفهوم از مباحث اولیه فلسفه است.

برای شناخت این دو مفهوم و نسبت میان آن‌ها چند قدم برمی‌داریم.

۱۳۹ قدم نخست: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی

- ۱- در اطراف ما اموری هستند که بر حسب نیاز از آن‌ها در جهت برطرف ساختن نیازهایمان استفاده می‌کنیم.
- ۲- رفتارهای طبیعی یک فرد بیانگر آن است که } هر انسانی می‌داند که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند.
 ۳- ما انسان‌ها می‌توانیم به موجودات و اشیا اطرافمان علم پیدا کنیم.

۱۴۰ قدم دوم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی

وقتی انسان در مواجهه با موجودی از چیستی آن سؤال می‌کند، پرسش او نشان‌دهنده این است که از هستی و وجود آن آگاه است اما به دنبال شناخت ماهیت و چیستی آن است. برای مثال کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به «وجود» موجودات پی برده اما از «ماهیت» آن‌ها آگاه نیست.

۱- به هستی موجودی پی برده است اما از چیستی (ماهیت) آن علم و آگاهی ندارد. }
 ۲- قصد دارد از چیستی آن آگاه شود و بداند که: این موجود چه ویژگی‌های مخصوص به خود دارد که آن را از موجودات دیگر متمایز می‌کند.

نکته در منطق و فلسفه به ویژگی‌هایی که مخصوص یک موجود است و آن را از موجودات دیگر جدا می‌کند ذاتیات می‌گویند. مانند «حیوان ناطق» برای انسان. ماهیت هر شیء ذاتیات آن را بیان می‌کند.

در هر چیزی که مشاهده می‌کنیم دو جنبه یا وجه می‌یابیم } ۱- موجود بودن آن
 ۲- چیستی داشتن (ماهیت) آن

وجود وجه مشترک و ماهیت وجه اختصاصی آن‌هاست.

+ ۱۴۱ قدم سوم: برای شناخت تفاوت هستی و چیستی

نسبت میان وجود و ماهیت و توجه به تمایز این دو مفهوم مورد توجه «فارابی» و «ابن سینا» بوده است. ابن سینا بیان می‌کند که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند آن‌طور که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند.

بنابراین در نگاه فلسفی به آب درمی‌یابیم که } ۱- آب موجود واحدی است که انسان آن دو مفهوم وجود و ماهیت را به دست می‌آورد.
 ۲- در خارج دو امر جداگانه بنام آب (ماهیت آب) و وجود (هستی آب) نداریم بلکه در ذهن ما آب و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد هستند.

رقت کنیز آنچه پبرون از ذهن انسان و غیر آن است را «فارج» یا «بهران فارج» می‌گویند.
 تکمیل گزاره‌ها

- ۱- هم از وجود آن‌ها خبر داریم و هم چیستی آن‌ها را می‌شناسیم مانند: اردک، رنگ، قلم، مربع }
 ۲- برخی امور وجود دارند که از هستی آن‌ها خبر داریم اما چیستی و ماهیت آن‌ها برای ما چندان روشن نیست مانند: مریخ، ماهیت حافظه بشر، روح.
 ۳- چیستی‌های فراوانی را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم. اما حداقل می‌دانیم این‌ها تا کنون موجود نشده‌اند مانند: ماشین پرنده، اژدها، مرغ آتش خوار

۱- **نتیجه** هستی و چیستی دو مفهوم مختلف از یک موجود واحد هستند.

۲- ذهن، تفاوت بین وجود و ماهیت را در می‌یابد.

۳- وجود و ماهیت در جهان خارج دو امر جداگانه نیستند.

۴- وجود و ماهیت دو جزء از یک موجود نیستند که با هم ترکیب شده باشند.

ابن سینا نظر خود درباره تفاوت وجود و ماهیت را «مغایرت وجود و ماهیت» نامید. باید دقت داشت که مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است و نه در خارج از ذهن. او برای مغایرت وجود و ماهیت دلایلی ذکر کرده است:

در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»؛ حمل «وجود» بر انسان، با حمل «حیوان ناطق» بر انسان کاملاً متفاوت است:

در گزاره «انسان موجود است»	در گزاره «انسان حیوان ناطق است»
۱- حمل «وجود» بر مفهوم انسان نیازمند دلیل است تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است»	۱- انسان به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است.
۲- این دلیل یا } ۱- از طریق حس و تجربه شناسایی می‌شود. ۲- از طریق عقل محض شناسایی می‌شود.	۲- «حیوان ناطق» ماهیت انسان را تشکیل می‌دهد.
	۳- «حیوان ناطق» ذات و حقیقت انسان را بیان می‌کند.
۳- بین وجود و یک مفهوم رابطه ذاتی برقرار نیست.	۴- حمل «حیوان ناطق» بر انسان به دلیل نیاز ندارد. یعنی حمل ماهیت بر یک مفهوم نیازمند دلیل نیست.
	۵- مفهوم حیوان ناطق از مفهوم انسان جدایی‌ناپذیر است.

مفاهیم کلیدی

۱۴۳

از مجموع این توضیحات این نتایج به دست می‌آید:

- نشیجه ۱-** مفهوم «انسان» به عنوان یک ماهیت با مفهوم «وجود» مغایر است و رابطه ذاتی بین انسان و وجود برقرار نیست. همین‌طور بین «انسان» و «مخلوق بودن» در گزاره «انسان مخلوق است» رابطه ذاتی برقرار نیست.
- ۲- سایر ماهیت‌ها مانند آب، صندلی، دیوار و... نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.
- ۳- اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود در این صورت (۱) اثبات وجود برای هر ماهیتی نیازمند دلیل نبود و (۲) با تصور هر ماهیتی آن ماهیت باید وجود می‌داشت حال آن‌که ما می‌توانیم ماهیت‌هایی را تصور کنیم که وجود ندارند و تصور آن‌ها برای آن‌که وجود پیدا کنند کافی نیست مانند این‌که تصور ماشین پرنده برای موجود شدن آن کافی نخواهد بود.

گذری تاریخی ۱۴۳

- ۱- یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.
- ۲- این اصل پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام «برهان وجوب و امکان» است.
- ۱- از فیلسوفان بزرگ اروپا است که با ابن سینا آشنا بود.
- ۲- در قرن سیزدهم زندگی می‌کرد.
- ۳- وی پایه‌گذار مکتب تومسیم است این مکتب متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود.
- ۴- توماس آکوئیناس اصل «مغایرت وجود و ماهیت» را در اروپا گسترش داد و آن را پایه و اساس برهان خداشناسی خود قرار داد.
- کلمه** آراء آکوئیناس بیشتر متکی بر عقاید ابن سینا و ابن رشد بود و همین امر باعث شد فلاسفه غرب مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

به‌کار بیندیم [ص ۷ کد]

- ۱- قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می‌توان مقایسه کرد؟
- (۱) انسان بشر است. (۲) انسان حیوان است. (۳) انسان مخلوق است.
- پاسخ:** گزینه «۳»؛ یعنی انسان مخلوق است. در گزینه «۱» و «۲» به ترتیب «بشر بودن» و «حیوان بودن» ماهیت انسان را تشکیل می‌دهد ولی در گزینه «۳» حمل «مخلوق بودن» بر «انسان» نیازمند دلیل است.
- ۲- شبی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گرگ» است، وقتی کمی نزدیک‌تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است! به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟
- پاسخ:** این تمرین گویای آن است که انسان، میان وجود و ماهیت تمایز قائل می‌شود، یعنی با این‌که می‌داند موجودی هست ولی نمی‌داند که آن موجود چیست؛ و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با این‌که نسبت به ماهیت آن موجود، شک و تردید دارد که چه ماهیتی است اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی‌کند.
- ۳- به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع نیازمند دلیل است و چرا؟
- (۱) انسان حیوان است. (۲) انسان شیر است. (۳) انسان عجول است. (۴) انسان ناطق است. (۵) انسان موجود است.
- پاسخ:** گزینه «۵» و گزینه «۳» در گزاره «انسان موجود است» حمل «موجود بودن» بر «انسان» نیازمند دلیل است؛ زیرا محمول در این گزاره ذات و حقیقت انسان را تشکیل نمی‌دهد. در گزینه «۳» نیز حمل عجول بودن برای انسان جزو ذاتیات او محسوب نمی‌شود.
- ۴- آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟
- پاسخ:** خیر، حمل «سه ضلعی» بر «مثلث» به دلیل نیاز ندارد. زیرا محمول (در این مثال سه ضلعی) برای مثلث ذاتی است و حمل ذاتی بر یک ماهیت نیازمند دلیل نیست.

تمرین‌های امتحانی

توجه: در آدرس منابع هر سؤال من یعنی صفحه و کمر یعنی کتاب درسی به طور مثال (به کار بندیم - ص ۲۷ کمر)

الف) تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است.

۱. از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها دو مفهوم هستی و چیستی است.
۲. وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مصداق از یک چیزند به این معناست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند.
۳. رفتار طبیعی هر انسانی بیانگر این اصل فلسفی است که در اطراف ما چیزهایی واقعی وجود دارند.
۴. وقتی مفهومی ذات و حقیقت ماهیتی را بیان می‌کند حمل آن مفهوم بر ماهیت به دلیل نیاز ندارد.
۵. میان مفاهیمی مانند انسان، آب، ماهی و وجود، مغایرت وجود دارد و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست.
۶. هستی و چیستی دو جزء از یک مفهوم هستند که با هم جمع شده‌اند.
۷. رابطه ذاتیات هر شی با ماهیت آن تساوی است؛ زیرا ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن است.
۸. هر واقعیتی یگانه‌ایی در جهان به هنگام ادراک در ذهن ما به دو بخش وجود و هستی تقسیم می‌شود.
۹. ماهیت وجه تمایز اشیاء و وجود وجه اختصاصی هر شیء است.
۱۰. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم. آن‌ها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحد هستند.

ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

۱۱. نوشیدن آب به هنگام تشنگی بیانگر این حقیقت است که می‌دانیم اطراف ما هستند.
۱۲. پیرامون انسان‌ها اشیاء و موجوداتی دارند که می‌توانیم به آن‌ها پیدا کنیم.
۱۳. از نظر هستی و چیستی دو مفهوم از یک موجودند.
۱۴. ویژگی‌های مخصوص یک ماهیت، آن را از موجودات دیگر می‌کند.
۱۵. برهان «وجود و امکان ابن‌سینا» بر اساس اصل مطرح شده است.
۱۶. کسب آرامش به هنگام قرار گرفتن در کنار عزیزان به این اصل فلسفی اشاره دارد که پیرامون ما و وجود دارند.
۱۷. دو مفهوم از یک چیز بودن به معنای دو جزء از یک موجود نیست.
۱۸. یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود و نظریه «فرق بین وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد نام دارد.
۱۹. این مسئله که وجود همان ماهیت نیست در فلسفه با عنوان اصل مطرح است.

[نهایی - شهریور ۹۹]

ج) گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۲۰. موضوع برهان «وجود و امکان» ابن‌سینا چیست؟
 - (۱) تفاوت چیستی و هستی
 - (۲) در نگاه فلسفی آب است.
- (۱) وجودی با دو جزء ترکیبی
۲۱. در کدام قضیه بین موضوع و محمول رابطه ذاتی برقرار نیست؟
 - (۱) انسان زیباست.
 - (۲) مربع شکل است.
۲۲. مغایرت وجود با ماهیت بیانگر است؟
 - (۱) مغایرت وجود با ماهیت در عین
 - (۲) براساس اصل مغایرت وجود و ماهیت:
- (۱) میان وجه مشترک موجودات و وجود رابطه ذاتی برقرار است.
۲۳. حمل مفاهیم ذاتی یک ماهیت بر آن ماهیت
 - (۱) دلیل نمی‌خواهد.
 - (۲) دلیل می‌خواهد.

د) گزینه صحیح را با علامت ✓ مشخص کنید.

۲۴. حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل است، این دلیل
 - (الف) از طریق حس شناسایی می‌شود.
 - (ب) از طریق حس یا تجربه شناسایی می‌شود.
 - (ج) از طریق حس و تجربه و یا عقل محض شناسایی می‌شود.
 - (د) از طریق تجربه یا عقل محض شناسایی می‌شود.
۲۵. کدام گزینه صحیح است؟
 - (الف) گزاره‌های مربوط به مسائل روزمره قضایای فلسفی نیستند اما تبیین فلسفی دارند.
 - (ب) گزاره‌هایی که در زندگی روزمره به کار می‌بریم قضایای فلسفی هستند و تبیین فلسفی دارند.
 - (ج) گزاره‌های مربوط به مسائل روزمره قضایای فلسفی نیستند و نمی‌توان از آن‌ها تبیین فلسفی ارائه داد.
 - (د) گزاره‌هایی که در زندگی روزمره به کار می‌بریم، تبیین فلسفی ندارند اما قضایای فلسفی هستند.
۲۶. کدام گزینه صحیح است؟
 - (الف) حمل وجود بر یک ماهیت از قبیل حمل یک ماهیت بر خود است.
 - (ب) وجود و ماهیت هم در ذهن و هم در عین از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.
 - (ج) تصور چیستی یک مفهوم مقدم بر وجود آن است.
 - (د) وجود یک مفهوم مقدم بر علم به چیستی آن است.

مفاهیم کلیدی

۲۹. کدام عبارت درباره تفاوت وجود با ماهیت درست نیست؟

- (الف) مغایرت وجود با ماهیت وقتی خود را نشان می‌دهد که موجود در واقع موضوع شناخت واقع شود.
 (ب) این اصل از اصول فلاسفه مسلمان می‌باشد که به دوگانگی مفهوم ماهیت و وجود اشاره دارد.
 (ج) صرف تصور یک ماهیت برای حمل وجود بر آن کافی نیست.
 (د) هر موجود واحدی شامل دو جزء است که در قالب یک قضیه در خارج مطرح می‌شود.

۳۰. در کدام گزینه نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

- (الف) زمین دارای حیات است. (ب) خانه ما بزرگ است. (ج) زمین کروی است. (د) عسل شیرین است.
 ۳۱. محمول مشترک که همه موجودات را شامل می‌شود همان است که در عالم ذهنی سبب کثرت می‌شود.
 (الف) وجود - ماهیت (ب) ماهیت - وجود (ج) وجود - وجود (د) ماهیت - ماهیت

هـ. به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه بدهید.

۳۲. مباحث اولیه فلسفه درباره چیست؟

* ۳۳. آکوئیناس در بحث مغایرت وجود و ماهیت پیرو چه کسی بود؟

۳۴. در نگاه منطقی و فلسفی ذاتیات یک شی به چه معنا است؟

۳۵. کدام اصل اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است؟

* ۳۶. یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که نظریه «مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده‌اند نام ببرید.

[زنگان - مدرسه زینبیه - ری ۹۹]

۳۷. برای نخستین بار چه کسی به اصل مغایرت وجود و ماهیت توجه ویژه کرد؟

۳۸. رفع تشنگی به وسیله نوشیدن آب بیانگر چه حقیقتی است؟

۳۹. دلایل حمل وجود بر چیستی‌ها از چند طریق شناسایی می‌شود؟

پ. به سؤال‌های زیر پاسخ کامل بدهید.

۴۰. دو مفهوم از یک چیز یعنی هستی و چیستی به چه معنا است؟

۴۱. رابطه «انسان» و «حیوان ناطق» چگونه است؟

۴۲. رفتار طبیعی انسان‌ها بیانگر چه حقیقت و کدام اصل فلسفی است؟ با مثال توضیح دهید.

* ۴۳. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «موجود» بر انسان چیست؟ توضیح دهید.

* ۴۴. آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

۴۵. تفاوت نگاه علمی با نگاه فلسفی به آب چیست؟ توضیح دهید.

۴۶. اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ توضیح دهید.

۴۷. برای مغایرت وجود و ماهیت یک دلیل بنویسید.

[ری ۱۳۰۰ / ۲ بار تکرار]

[به کار بندیم شماره ۴ - ص ۷]

[بررسی - ص ۶]

سؤال‌های ویژه امتحان برای کنکور

۴۸. رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی و کدام اصل فلسفی است؟

۴۹. آیا مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت است؟ با ارائه یک دلیل توضیح دهید.

۵۰. در بین عبارت «خفاش پرنده‌ای پستاندار و بالدار است» و عبارت «خفاش موجود است» حمل کدام یک از محمول‌ها بر موضوع نیازمند دلیل است و چرا؟

[فارج ۱۴۰۱]

۵۱. کدام عبارت درست است؟

(۱) هرچه که فرض شود، ضرورتاً دو حیثیت دارد: هستی و چیستی

(۲) از میان نسبت اربع، نسبت میان ماهیت یک چیز با وجود همان چیز تساوی است.

(۳) اشاره کردن به چیزی، بدون اینکه به نوعی وجود آن را باور داشته باشیم، غیرممکن است.

(۴) وقتی چیزی را واقعی می‌بنداریم و سپس می‌فهمیم وجود نداشته، یعنی ماهیتش را شناخته‌ایم.

۵۲. کدام عبارت بیانگر دلیل مغایرت مفهوم وجود با ماهیت است؟

(۱) مفهوم وجود را می‌توان بر ماهیت حمل کرد.

(۲) ماهیت را می‌توان بر وجود حمل کرد.

(۳) می‌توان ماهیتی را تصور کرد که موجود نیستند.

۵۳. در کدام گزاره، نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

(۱) زمستان سرد است.

(۲) انسان فانی است.

(۳) خدا جاودانه است.

(۴) پلاتین فلز است.

[دراقل ۹۹]

(۲) چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند.

(۴) سلب وجود از ماهیت، در ذهن و در خارج امکان‌پذیر است.

سؤال تمرین	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
کد مفاهیم کلیدی	۱۳۸	۱۴۱	۱۳۹	۱۴۲	۱۴۱	۱۴۱	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۰	۱۴۱	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۱	۱۳۹	۱۴۱	۱۴۱	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۱	۱۴۳	۱۴۱	۱۴۳	۱۴۰	۱۴۲	۱۴۱	۱۴۱	۱۴۱	۱۴۲

سؤال تمرین	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳
کد مفاهیم کلیدی	۱۴۱	۱۳۸	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۱	۱۴۳	۱۴۲	۱۳۹	۱۴۲	۱۴۱	۱۴۲	۱۳۹	۱۴۲	۱۴۲	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۰	۱۴۱	۱۳۹	۱۴۲	۱۴۲	۱۴۲	۱۴۲

۱ [۱۳۸] صحیح

۲ [۱۴۱] غلط، باید بگوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیز هستند نه دو مصداق از یک چیز.

۳ [۱۳۹] صحیح

۴ [۱۴۲] صحیح

۵ [۱۴۲] صحیح

۶ [۱۴۱] غلط، وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) دو جزء از یک موجود یا مفهوم نیستند که با هم ترکیب شده باشند.

۷ [۱۴۰] غلط، گاهی ممکن است ماهیت و ذاتیات عین هم و یکسان نباشند.

۸ [۱۴۰] غلط، ماهیت وجه تمایز و اختصاصی و وجود وجه مشترک موجودات است.

۹ [۱۴۱] غلط، هر واقعیت واحد و یگانه‌ای مانند آب واحد است و به هنگام ادراک در ذهن ما به دو بخش «وجود» و «ماهیت» تقسیم می‌شود.

۱۰ [۱۴۱] صحیح

۱۱ [۱۳۹] چیزهای واقعی

۱۲ [۱۳۹] وجود - علم

۱۳ [۱۴۱] ابن‌سینا

۱۴ [۱۴۰] متمایز

۱۵ [۱۴۳] مغایرت وجود و ماهیت

۱۶ [۱۳۹] اشیاء - موجوداتی

۱۷ [۱۴۱] ترکیب شده

۱۸ [۱۴۳] توماس آکوئیناس

۱۹ [۱۴۳] مغایرت وجود و ماهیت

۲۰ [۱۴۳] گزینه «۲»؛ ابن‌سینا موضوع مغایرت وجود و ماهیت را پایه‌ی یکی از برهان‌های خود در اثبات وجود خدا قرار داد که برهان وجوب و امکان نام دارد.

۲۱ [۱۴۱] گزینه «۲»؛ از نگاه فلسفی آب موجودی واحد است که انسان در ذهن خود دو معنا و مفهوم هستی و چیستی آب را از آن به دست می‌آورد یعنی در خارج دو امر جداگانه به نام «وجود آب» و «ماهیت آب» نداریم.

۲۲ [۱۴۲] گزینه «۱»؛ در قضیه انسان زیبا است حمل زیبایی بر انسان جزو ذاتیات او نیست و در تعریف انسان نیامده است.

۲۳ [۱۴۱]، [۱۴۲] و [۱۴۳] گزینه «۲»؛ وقتی به یک موضوع شناخت پیدا می‌کنیم در ذهن به دو بخش وجود و ماهیت تقسیم می‌شود و مفهوم آن‌ها (وجود، ماهیت) با یکدیگر مغایرت پیدا می‌کند. اما در جهان خارج (در جهان عینی) موضوع شناخت ما امری واحد است.

۲۴ [۱۴۰] گزینه «۲»؛ میان وجود و یک ماهیت مانند انسان رابطه ذاتی برقرار نیست زیرا برای حمل وجود بر یک ماهیت نیازمند دلیل هستیم.

۲۵ [۱۴۲] گزینه «۱»؛ اگر مفاهیم ذاتی در جایگاه محمول یک موضوع قرار گیرد، حمل آن مفهوم بر موضوع نیازمند دلیل نیست.

۲۶ [۱۴۲] گزینه «ج»؛ برای حمل مفهوم وجود بر یک ماهیت مانند انسان، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم انسان موجود است، حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل.

۲۷ [۱۴۱] گزینه «الف»؛ اگر چه بعضی گزاره‌ها را در زندگی روزمره به کار می‌بریم و قضایای فلسفی نیستند. می‌توان از آن‌ها تبیین فلسفی ارائه داد. یعنی در باب وجود نیستند. مربوط به مسائل روزمره هستند و در زندگی روزمره آن‌ها را به کار می‌بریم.

۲۸ [۱۴۱] و [۱۴۲] گزینه «د»؛ کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به وجود حیوان پی برده است و می‌داند که آن‌ها موجودند اما از ماهیت و چیستی آن‌ها آگاه نیست و این خود دلیلی است بر تقدم تصور وجود یک ماهیت بر علم به چیستی آن.

۲۹ [۱۴۲] و [۱۴۱] گزینه «د»؛ در حقیقت هر موجود مانند آب موجودی واحد است که در ذهن به دو جزء تفکیک می‌شود و در قالب یک قضیه در جهان خارج مطرح می‌شود به عبارتی این دوگانگی (وجود و ماهیت) در ذهن است و دوگانگی در مفهوم آن‌ها است نه در وجود خارجی آن.

۳۰ [۱۴۲] گزینه «د»؛ نوع حمل اولی ذاتی است پس دلیل نمی‌خواهد.

۳۱ [۱۴۰] گزینه «الف»؛ محمول مشترک بین همه موجودات همان وجود است که در عالم ذهنی سبب کثرت ماهیات می‌شود.

۳۲ [۱۳۸] درک دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آن‌ها.

۳۳ [۱۴۳] ابن‌سینا

۳۴ [۱۴۱] ویژگی‌های مخصوص یک موجود که آن را از دسته دیگر متفاوت و متمایز می‌کند.

۳۵ [۱۴۳] اصل مغایرت وجود و ماهیت

۳۶ [۱۴۳] ابن‌سینا - توماس آکوئیناس

۳۷ [۱۴۱] فارابی

۳۸ [۱۳۹] در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز، از آن‌ها در جهت رفع نیازها استفاده می‌کنیم.

۳۹ [۱۴۲] این دلایل یا از طریق حس و تجربه شناسایی می‌شود یا از طریق عقل محض شناخته می‌شوند.

۴۰ [۱۴۱] هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند که دو جزء از یک موجود نیستند که با هم ترکیب یا جمع شده باشند بلکه این دو مفهوم از یک موجود واحد به دست می‌آید.

۴۱ [۱۴۲] «حیوان ناطق» حقیقت و ذات انسان است و حمل «حیوان ناطق» بر انسان نیازمند دلیل نیست زیرا نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که بر انسان حیوان ناطق را حمل کنیم.

۴۲ [۱۳۹] برطرف شدن اندوه هنگام قرار گرفتن در کنار عزیزانمان یک رفتار طبیعی است و بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم و این اصل فلسفی را در خاطر می‌آورد که ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.

۴۳ [۱۴۲] در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است یعنی «حیوان و ناطق» از اجزاء تعریفی انسان هستند و چیستی انسان را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان است و حمل «حیوان ناطق» بر انسان به دلیل نیاز ندارد اما حمل «وجود» بر انسان به دلیل نیاز دارد و رابطه ذاتی بین وجود و انسان برقرار نیست.

Knowledge

۵۲ [۱۴۲] گزینه «۳»: می‌توانیم ماهیاتی را تصور کنیم که موجود نیستند. مانند دیو، ققنوس که ماهیت آن‌ها را می‌دانیم و آن‌ها را تصور می‌کنیم ولی موجود نیستند. رد گزینه «۱»: مفهوم وجود را بر هر ماهیتی نمی‌توان حمل کرد چه بسا ماهیتی موجود نباشد و حمل وجود بر ماهیات نیازمند دلیل است.

رد گزینه «۲»: هر ماهیتی حدی از وجود را دارد که ماهیت آن را می‌سازد (یعنی ویژگی‌ها و خصوصیات هر شی ماهیت آن را می‌سازد) و هر موجودی ماهیت دارد یعنی در مرتبه‌ای از وجود قرار دارد (فقط خداوند است که وجودش حد ندارد. پس ماهیت ندارد) و در نتیجه هرچه موجود است ماهیت دارد.

رد گزینه «۴»: با در نظر گرفتن وجود لفظی، وجود کتبی، وجود ذهنی و وجود عینی می‌توان گفت سلب وجود از ماهیت در خارج اگر ماهیت به واسطه علت وجوددهنده‌اش موجود باشد امکان‌پذیر نیست و چون ماهیت انتزاع ذهن از وجود شیء است پس سلب وجود از ماهیت در ذهن هم امکان‌پذیر نیست. (زیرا ماهیت دارای وجود ذهنی می‌باشد).

۵۳ [۱۴۲] گزینه «۴»: در «پلاتین فلز است» محمول ذاتیات موضوع یعنی پلاتین را تشکیل می‌دهد و حمل ذاتیات بر موضوع نیازمند دلیل نیست. در گزینه‌های یک، دو و سه محمول ذاتیات موضوع را تشکیل نمی‌دهند و برای حمل آن بر موضوع به دلیل نیاز داریم.

یادداشت

۴۴ [۱۴۲] خیر، در قضیه «مثلث سه‌ضلعی است»، «سه‌ضلعی بودن» برای مثلث از اجزاء تعریفی آن است و چیستی مثلث را تشکیل می‌دهد و حمل «سه‌ضلعی» بر مثلث نیاز به دلیل ندارد زیرا محمول «سه‌ضلعی» برای مثلث ذاتی است و حمل ذاتی بر یک ذات به دلیل نیاز ندارد.

۴۵ [۱۴۱] از نگاه علمی آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است که با یک آزمایش ساده به دست می‌آید و اما در نگاه فلسفی آب، موجود واحدی است که انسان دو معنا و دو مفهوم چیستی و هستی را از همین موجود به دست می‌آورد، در خارج دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. آب و وجود در ذهن ما دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد هستند.

۴۶ [۱۴۰]، [۱۴۱] و [۱۴۲] مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن نیست و اگر مفهوم وجود عین یا جزء ماهیت بود در این صورت اثبات وجود برای هر ماهیتی که تصور می‌کردیم بی‌نیاز از دلیل بود زیرا وجود در آن صورت از اجزاء ماهیت و چیستی شیء می‌شد و ذات آن را تشکیل می‌داد.

۴۷ [۱۴۰]، [۱۴۱] و [۱۴۲] امور ذاتی مانند «حیوان ناطق» در تعریف انسان را بدون نیاز به دلیل می‌توانیم به یک ماهیت (در این جا انسان) نسبت دهیم زیرا ذات و حقیقت آن ماهیت را تشکیل می‌دهد و حمل امر ذاتی به دلیل نیازمند نیست اما مفهوم وجود جدای از ذات و حقیقت انسان است و حمل آن بر ماهیت نیازمند دلیل است و میان انسان و وجود رابطه ذاتی برقرار نیست به همین دلیل انسان می‌تواند موجود باشد یا نباشد و حمل وجود بر انسان به دلیل نیاز دارد تا بتوانیم بگوییم انسان موجود است.

● پاسخ سؤال‌های ویژه امتحان برای کنکور

۴۸ [۱۳۹] یک رفتار طبیعی مانند به سراغ آب رفتن به هنگام تشنگی بیانگر این حقیقت است که در اطراف ما چیزهایی واقعی که بر حسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و به وسیله آن‌ها نیازهایمان را برطرف می‌سازیم و به این نکته اشاره دارند که انسان می‌تواند به آن‌ها علم پیدا کند. (اصل فلسفی واقعیتی هست و این واقعیت قابل شناخت است.)

۴۹ [۱۴۲] خیر، مفهوم وجود با مفهوم ماهیت مغایرت دارد، ماهیت و چیستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات یک شیء است و حمل ماهیت بر یک ذات یا یک مفهوم نیازمند به دلیل نیست، مانند حمل حیوان ناطق بر انسان که به دلیل نیاز ندارد اما حمل وجود بر یک مفهوم به دلیل نیاز دارد. مانند حمل وجود بر انسان که به دلیل نیاز دارد یعنی رابطه ذاتی میان وجود و مفهوم مورد نظر برقرار نیست.

۵۰ [۱۴۲] در عبارت «خفاش پرنده‌ای پستاندار و بالدار است» حمل پرنده‌ای پستاندار و بالدار بر خفاش، یک حمل ضروری است یعنی حمل ذاتیات یک شیء بر یک مفهوم است و به دلیل نیازمند نیست اما در قضیه خفاش موجود است حمل وجود بر مفهوم خفاش نیازمند دلیل است و رابطه ذاتی میان وجود و خفاش در این مثال برقرار نیست.

۵۱ [۱۴۱]، [۱۴۰] و [۱۴۲] گزینه «۳»: وقتی به چیزی اشاره می‌کنیم به این معنا است که به وجود آن پی برده‌ایم.

رد گزینه «۱»: هرچه فرض بشود ممکن است وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد. رد گزینه «۲»: به دلیل مغایرت وجود و ماهیت نمی‌توان گفت رابطه تساوی بین وجود و ماهیت برقرار است.

رد گزینه «۴»: وقتی چیزی را واقعی می‌پنداریم یعنی می‌دانیم که آن‌ها وجود دارند و هنگامی که متوجه می‌شویم آنچه واقعی می‌پنداشتیم به این معنا است که در شناخت خود دچار خطا و اشتباه شده‌ایم و به معنای نشناختن ماهیت نیست.

امکان ذاتی ۱۴۶+

رابطه وجود با موضوع‌های مختلف ۱۴۵+

نسبت‌های سه‌گانه در قضایا ۱۴۴

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

بلدیوم بلدنیوم

چند عبارت از عبارات زیر درست است؟ ۱۴۴.۱

- دیوار سفید است و عدد هشت فرد است به ترتیب دارای رابطه امکانی و مکانی هستند.
- اگر محمول قضیه‌ای ذاتی موضوع خود باشد رابطه آن با موضوع رابطه‌ای ضروری است.
- اگر محمول ذاتی موضوع باشد، موضوع یا واجب‌الوجود است یا واجب‌الوجود بالغیر
- اگر محمول برای موضوع ضروری نباشد، رابطه موضوع با محمول یا رابطه امکانی است یا رابطه امتناعی
- اگر محمول برای موضوع غیرممکن باشد یعنی محال و ممتنع است که یک فرد در عین واحد بودن دوتا باشد.

الف) دو (ب) سه (ج) چهار (د) پنج

از بین موارد زیر رابطه امکانی، امتناعی و ضروری به ترتیب در چند گزینه به صورت درست طرح شده است؟ ۱۴۴.۲

- روشن شدن چراغ اتاق (رابطه ضروری)
- علمی بودن کتاب (رابطه امکانی)
- سیاه سفید است. (رابطه امتناعی)
- خداوند وجود دارد. (رابطه وجوبی)

الف) دو (ب) سه (ج) یک (د) چهار

چند عبارت از عبارات زیر نادرست است؟ ۱۴۵.۱

- اگر رابطه موضوعی با وجود رابطه امکانی باشد آن را ممتنع‌الوجود می‌نامند.
- رابطه «قلم در دست من هنگام نوشتن این عبارت» با وجود یک رابطه امکانی است که به واسطه علت خود واجب‌الوجود شده است.
- رابطه دریای جیوه با وجود رابطه امکانی است.
- ممکن‌الوجودی که با وجود رابطه امکانی دارد با وجود علتش در خارج تحقق می‌یابد و به آن واجب‌الوجود بالغیر می‌گویند.
- اگر ماهیتی که ذاتاً، ممکن‌الوجود است علتش تحقق یابد آن ماهیت موجود می‌شود و «واجب‌الوجود» می‌گردد.

الف) چهار (ب) سه (ج) دو (د) پنج

در رابطه با این سؤال «چرا با اینکه موضوع‌ها فقط امکان وجود دارند اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده‌اند؟» پاسخ ۱۴۵.۲

فارابی و ابن‌سینا را بنویسید.

چرا عقلاً محال است که یکی از کفه‌های ترازوی در حالت تعادل، خودبه‌خود بر کفه دیگر سنگینی کند و به سمت پایین کشیده شود؟ ۱۴۵.۳

چند عبارت از عبارات زیر نادرست است؟ ۱۴۶.۱

- واجب‌الوجود بالغیر مانند کفه ترازو به سمت پایین کشیده شده است به دلیل علتی که آن را از حالت تعادل خارج کرده است.
- دریای جیوه وقتی واجب‌الوجود می‌شود که علت وجود آن فراهم شود.
- مربع پنج ضلعی ممکن‌الوجودی است که به واسطه نبود علت وجودش موجود نشده است.
- سیمرغ ممتنع‌الوجودی است که حتی به واسطه علت وجود خود هم نمی‌تواند از این حالت خارج شود و وجود بیابد.

الف) چهار (ب) یک (ج) سه (د) دو

رابطه یک ماهیت با وجود چگونه است؟ و یک ماهیت چگونه واجب‌الوجود می‌شود؟ ۱۴۶.۲

پاسخ

گزینه «ج» [۱۴۵.۱]

گزینه «ب» [۱۴۴.۲]

گزینه «الف» [۱۴۴.۱]

گزینه «د» [۱۴۶.۱]

صفحه ۱۱ و ۱۲ کتاب درسی [۱۴۵.۳]

صفحه ۱۱ کتاب درسی [۱۴۵.۲]

صفحه ۱۱ و ۱۲ کتاب درسی [۱۴۶.۲]



۱۴۴ نسبت‌های سه‌گانه در قضایا

با تمام پیشرفت‌های علمی و طرح سؤالات جدید پیرامون جهان از گذشته تاکنون سؤالات فلسفی ثابت مانده و متفکرانی درباره آنها گفت‌وگو می‌کنند. سؤالاتی مانند: آیا جهان متناهی است یا نامتناهی؟ آیا عوالم دیگری غیر از طبیعت وجود دارند؟ آیا موجودات این جهان می‌توانسته‌اند نباشند یا موجود شدن برای آنها ضروری بوده است؟ و ...

با توجه به رابطه موضوع و محمول در هر قضیه درمی‌یابیم که سه نوع رابطه بین موضوع و محمول در قضایا وجود دارد:

نام رابطه	مثال	توضیحات
۱) رابطه ضروری (وجوبی)	مثلت شکل سه‌ضلعی است. مجموع دو ضلع مثلث بزرگ‌تر از ضلع سوم است. موضوع محمول	۱- محمول در چنین قضایایی، ذاتی موضوع است. ۲- محمول برای موضوع ضروری و واجب است.
۲) رابطه امکانی (ممکن)	دیوار خانه ما سفید است. ارتفاع و میانه در مثلث یکی است. موضوع محمول	۱- محمول در چنین قضایایی برای موضوع خود، ذاتی نیست. ۲- موضوع هم می‌تواند این محمول را بپذیرد هم می‌تواند نپذیرد. ۳- در این مثال با اینکه دیوار خانه ما سفید است می‌تواند سفید نباشد در نتیجه محمول برای موضوع خود، حالت امکانی دارد.
۳) رابطه امتناعی (ممتنع)	عدد هشت فرد است. مجموع زوایای مثلث برابر سه قائمه است. موضوع محمول	۱- برقراری ارتباط میان محمول و موضوع غیرممکن است. ۲- محال و ممتنع است که موضوع، محمول را بپذیرد.

مفاهیم کلیدی

۱۴۵

+ ۱۴۵ رابطه وجود با موضوع‌های مختلف

- ۱) در این قضایا حمل وجود برای موضوع ضروری و واجب است. مانند «خدا وجود دارد.»
- ۲- ضرورت (وجوب) { ۲) موضوع در چنین قضیه‌ای «واجب الوجود» است.
- ۲- امکان (ممکن) { ۱) در این قضایا محمول می‌تواند باشد یا نباشد. (می‌تواند وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد) مانند «زمین هست.»
- ۲) موضوع در چنین قضیه‌ای «ممکن الوجود» است.
- ۳- امتناع (ممتنع) { ۱) در این قضایا موضوع محال است وجود پیدا کند.
- ۲) مانند مربع پنج‌ضلعی موجود است.
- ۳) موضوع در چنین قضیه‌ای «ممتنع الوجود» است.
- رابطه وجود به عنوان یک محمول با موضوع‌هایش

خاک	مهربانی	سوختن	سیاه سفید	دیو	خداوند	فرشتگان	دریایی از جیوه	روح	پرنده	انرژی	مربع پنج‌ضلعی
امکان	امکان	امکان	امتناع	امکان	ضرورت	امکان	امکان	امکان	امکان	امکان	امتناع

توجه کنید که می‌توانیم روابط انواع موجودات را بر اساس نسبت‌های چهارگانه منطق مشفص کنیم:

رابطه	انواع موجودات
تباين	واجب بالذات و بالغير
تباين	ممکن بالذات و واجب بالذات
تباين	ممکن بالذات و ممتنع بالذات
تباين	واجب و ممتنع
عموم و خصوص مطلق	ممکن بالذات و واجب بالغير
عموم و خصوص مطلق	ممکن بالذات و ممتنع بالغير

همچنین دقت کنید که در صورتی که میان محمول و موضوع رابطه واجب و ضروری برقرار باشد میان موضوع و محمول نسبت تساوی برقرار است.

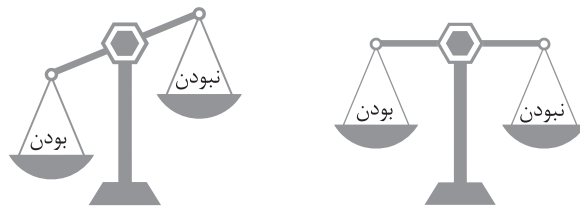
تحلیل و بررسی یک سؤال مهم: چرا در عین اینکه برخی موضوعها با «وجود» رابطه‌ی امکانی دارند، اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده‌اند؟ پاسخ فارابی و ابن‌سینا به این سؤال:

- ۱- موجودات جهان ممکن‌الوجود هستند (با وجود رابطه‌ی امکانی دارند).
- ۲- این رابطه‌ی امکانی به ماهیت و ذات آنها اجازه می‌دهد اگر علت وجود آنها فراهم شود آنها نیز موجود شوند و در خارج تحقق یابند. بیان این مطلب با توضیحی دیگر:

- ۱- می‌توانیم بگوییم ممکن‌الوجود مانند **ترازویی** است که دو کفه آن در حالت **تعاادل** است.
- ۲- اگر یکی از کفه‌ها به سمت پایین کشیده شود به خاطر علتی است که موجب شده آن کفه به پایین آورده شود.
- ۳- در واقع عقلاً محال است که خود به خود یک کفه بردگیری سنگینی کند و به سمت پایین حرکت کند.

حال درباره‌ی موجودات جهان مانند «انسان» می‌توانیم بگوییم:

- ۱- رابطه‌ی «انسان» با «وجود» یک رابطه‌ی امکانی است یعنی انسان می‌تواند باشد یا نباشد. چون ذات انسان به گونه‌ای نیست که حتماً باشد یا اینکه حتماً نباشد. با بودن علت، وجود برای انسان ضروری می‌شود و انسان به عنوان یک ماهیت، واجب‌الوجود می‌گردد و موجود می‌شود.



نتیجه در حال حاضر همه‌ی اشیایی که موجودند واجب‌الوجود هستند اما به واسطه‌ی علتشان، نه به واسطه‌ی خودشان. به همین جهت وجود خود را از ناحیه‌ی غیر از ذات خود (علت) خود دریافت می‌کنند که به آن اشیاء واجب‌الوجود بالغیر می‌گویند.

- ۱- واجب‌الوجود بالذات
- ۲- واجب‌الوجود و انواع آن

کلمه واجب‌الوجود بالذات: ذاتی است که وجود برایش ضروری باشد.

مثال خدا هست.

واجب‌الوجود بالذات

واجب‌الوجود بالغیر: همه‌ی اشیایی که موجودند، در ذات و ماهیت خود ممکن‌الوجودند، که اگر **علت** وجود آنها فراهم شود آنها نیز وجودشان ضروری می‌شود. (به واسطه‌ی علت خود) و به همین دلیل به آن واجب‌الوجود بالغیر می‌گویند؛ زیرا برای به وجود آمدن، نیازمند **علتی** غیر از خودشان هستند.

تمرین‌های امتحانی

توجه: در آژرس منابع هر سؤال من یعنی صفحه و کمر یعنی کتاب درسی به طور مثال [به کار بپذیریم - من ۲۷ کد]

الف) تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است.

- | غلط | صحیح | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | * ۱. اگر محمول یک قضیه، ذاتی موضوع باشد رابطه‌ی محمول با موضوعش وجوبی است. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۲. رابطه‌ی مفاهیم «اردک» و «زوج بودن عدد سه» با وجود، به ترتیب امکانی، امکانی است. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳. در صورتی که میان محمول و موضوع رابطه‌ی ضروری برقرار باشد می‌توان گفت رابطه‌ی موضوع و محمول از نسبت‌های چهارگانه تساوی است. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۴. در صورتی که میان «وجود» و موضوع، رابطه‌ی ضروری برقرار باشد می‌توان گفت رابطه‌ی موضوع و محمول از نسبت‌های چهارگانه تساوی است. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵. رابطه‌ی «روییدن گیاه» و «در کویر بودن» امکانی است. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | * ۶. ممکن‌الوجود نسبت به «وجود» و «عدم» حالت ترازویی با دو کفه نامتعادل است. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | * ۷. ممتنع‌الوجود مانند ترازویی است که کفه‌ی ترازوی «عدم» و «وجود» در آن در حالت تعادل قرار دارد. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۸. واجب‌الوجود بالغیر مانند ترازویی است نامتعادل که در آن کفه‌ی عدم به سمت پایین کشیده شده است. |

ب جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۹. اشیاء و موجودات با وجود رابطه دارند.
۱۰. با فراهم شدن علت، وجود موجودی که ماهیت آن است در خارج تحقق می‌یابد و ضروری می‌شود.
۱۱. درخت حیاط مدرسه است و با وجود رابطه دارد.
۱۲. ترازویی که از حالت تعادل به سمت خارج شده مانند ماهیتی است که آن را از حالت امکانی خارج کرده است.
۱۳. رابطه امتناعی یعنی رابطه‌ای که برقراری ارتباط میان غیر ممکن است.
۱۴. بین دو مفهوم ممکن الوجود بالذات و واجب الوجود نسبت برقرار است.
۱۵. در حالت امکانی خروج دو کفه ترازو از حالت تعادل به صورت خود به خود است.
۱۶. به نظر فارابی و ابن‌سینا رابطه امکانی به ذات و ماهیت اجازه می‌دهد که اگر آنها فراهم شود، آنها نیز موجود شوند.

ج گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- * ۱۷. رابطه محمول با موضوع خود در قضیه «زمین کروی است» رابطه (امکانی - وجوبی) است.
۱۸. در قضیه «تعداد موجودات زمین بی‌نهایت است» بین موضوع و محمول رابطه (امکانی - امتناعی) وجود دارد.
۱۹. در قضیه «دریای جیوه هست» رابطه موضوع با «وجود» رابطه (امکانی - امتناعی) است.
۲۰. ماهیتی که موجود است (ممکن الوجود - واجب الوجود) است.
۲۱. عبارت (حمل وجود بر آن ممکن نیست - حمل وجود را نمی‌پذیرد) ممتنع الوجود را دقیق‌تر توضیح می‌دهد.

د گزینه صحیح را با علامت ✓ مشخص کنید.

- * ۲۲. کدام یک از مفاهیم زیر با فرض وجود علت، واجب الوجود بالغیر می‌شود؟
 - الف) ممکن الوجود بالغیر
 - ب) ممتنع الوجود بالغیر
 - ج) ممکن الوجود بالذات
 - د) ممتنع الوجود بالذات
۲۳. با توجه به موضوع قضایای «اتومبیل وسیله‌ای نقلیه برای انتقال مکانی است»، «در سید دو عدد سیب وجود دارد»، «اتومبیل با شماره تهران در بزرگراه در حال تردد است» و «گل شکوفه‌ای است که باز شده است» به ترتیب کدام گزینه صحیح است؟
 - الف) ممکن الوجود - واجب الوجود - ممکن الوجود - واجب الوجود بالغیر
 - ب) واجب الوجود بالغیر - ممکن الوجود - ممکن الوجود - واجب الوجود
 - ج) ممکن الوجود - واجب الوجود بالغیر - واجب الوجود بالغیر - ممکن الوجود
 - د) واجب الوجود - واجب الوجود بالغیر - ممکن الوجود - ممکن الوجود
۲۴. کدام شکل به ترتیب «واجب الوجود بالغیر» و «ممکن الوجود» را به درستی نشان می‌دهد؟



- الف) الف - ج
- ب) ب - ج
- ج) ج - الف
- د) ب - الف

۲۵. وقتی می‌گوییم رابطه «ماهیت» با وجود رابطه امکانی است یعنی آن ماهیت:

- الف) وجود واقعی ندارد.
- ب) واجب الوجود بالغیر است.
- ج) فرض وجود برایش امکان ندارد.
- د) وجود و عدم آن مساوی است.

ه جدول را کامل کنید.

۲۶. جدول زیر را کامل کنید.

مرغابی خزنده است	تعادل دو کفه ترازو	(ج) -	ماشین پرنده و وجود
(الف) -	(ب) -	مثالی برای رابطه وجوبی	(د) -

و وصل کنید.

۲۷. هریک از موارد سمت راست با کدام یک از موارد سمت چپ مرتبط است؟

- | | | |
|----------------------------------|---|-----------------------|
| الف) عدد دو زوج است. | ● | ۱- واجب الوجود بالغیر |
| ب) رابطه وجود و رود پرآب | ● | ۲- رابطه وجوبی |
| ج) سیمرغ | ● | ۳- رابطه امکانی |
| د) پیچک روئیده روی دیوار خانه ما | ● | ۴- ممکن الوجود |
| | | ۵- ممتنع الوجود |



ز به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه بدهید.

۲۸. برای رابطه‌ امکانی یک مثال بنویسید.

* ۲۹. به هر ماهیتی که به واسطه علتش وجود یافته است چه می‌گویند؟

۳۰. چه موضوع‌هایی واجب‌الوجود نامیده می‌شود؟

۳۱. واجبی که ذاتش امکانی است چه نامیده می‌شود؟

۳۲. وقتی می‌گوییم رابطه «خدا» با «وجود» یک رابطه‌ وجوبی است منظور چیست؟

۳۳. با بودن علت چه چیزی برای یک ذات و ماهیت ضروری می‌شود؟

۳۴. ارتباط موضوع در قضیه «این خانه آجری است» با «وجود» چگونه است؟ و موضوع قضیه را چه می‌نامیم؟

ع به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید.

۳۵. رابطه‌ امتناعی را تعریف کنید.

۳۶. آیا می‌توان گفت هر موجودی که نمی‌تواند موجود باشد ممتنع‌الوجود است؟ چرا؟

۳۷. آیا می‌توان گفت همه‌ اشیايي که موجودند «واجب‌الوجود» هستند؟ توضیح دهید.

* ۳۸. چرا با اینکه بعضی موضوع‌ها ممکن‌الوجود هستند اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده‌اند؟ پاسخ فارابی و ابن‌سینا را در پاسخ به این سؤال بنویسید.

* ۳۹. چرا هر ممکن‌الوجودی برای خروج از حالت امکانی به علت وجودی خود نیازمند است؟

۴۰. در مثال‌های زیر «ممکن‌الوجود»، «ممتنع‌الوجود» و «واجب‌الوجود» را معین کنید.

الف) خدا هست.

ب) پنجره‌ چوبی کلاس ما باز است.

ج) انسان چهار دست وجود دارد.

د) عدد ۲۵ زوج است.

سؤال‌های ویژه امتحان برای کنکور

۴۱. رابطه‌ امکانی و امتناعی را با مثال تعریف کنید.

۴۲. جدول زیر را کامل کنید.

مثال	موضوع	رابطه‌ موضوع با وجود	نام موضوع در رابطه‌ با وجود
الف) خودکار در دست من آبی است.			
ب) انسان ناطق			
ج) مثلث مربع شکل وجود دارد.			
د) خداوند وجود دارد.			

۴۳. دو مفهوم واجب‌الوجود بالغیر و رابطه‌ ضروری را تعریف کنید.

۴۴. کدام عبارت، تعریف واجب‌الوجود بالغیر را به درستی بیان می‌کند؟

۱) چیزی که برحسب ذات خود ممکن‌الوجود است.

۲) ماهیتی که چستی خود را از علت دریافت می‌کند.

۳) موجودی که ضرورت وجود او از ناحیه‌ دیگری است.

۴) ماهیتی که وجوب خود را از ماهیت دیگری می‌گیرد.

۴۵. حمل یگانه بر غنی بالذات از نظر نسبت مانند کدام حمل است؟

۱) شکل بر دوزنقه

۲) گیاه بر دارای حیات

۳) منحصر به فرد بر مولود کعبه

۴) دوزنقه دارای چهار ضلع

۴۶. حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» از نظر نسبت مانند کدام حمل است؟

۱) دوزنقه بر شکل

۲) متساوی‌الاضلاع بر مثلث

۳) مثلث بر دارای اضلاع

۴) دارای زاویه بر مستطیل

سؤال تمرین	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	
کد مفاهیم کلیدی	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۶	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۵	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۴

سؤال تمرین	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶
کد مفاهیم کلیدی	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۵	۱۴۶

[نوبتی - دی ۱۴۰۰]

[فارج ۱۴۰۰]

۲۵ [۱۴۶] گزینۀ «د»؛ وقتی رابطه وجود با ماهیت امکانی باشد آن ماهیت بین وجود و عدم حالت تساوی دارد. بنابراین چون سؤال نگفته آن ماهیت وجود دارد بنابراین نمی‌توانیم بگوییم واجب‌الوجود بالغیرات (رد گزینۀ «ب»)

۲۶ [۱۴۴]، [۱۴۵] و [۱۴۶] الف رابطه امتناعی، ب رابطه امکانی، ج مربع‌شکل چهارضلعی است. د رابطه امکانی

۲۷ [۱۴۴]، [۱۴۵] و [۱۴۶] الف ← ۲، ب ← ۳، ج ← ۴، د ← ۱

۲۸ [۱۴۴] و [۱۴۵] درخت

۲۹ [۱۴۶] واجب‌الوجود بالغیر

۳۰ [۱۴۵] و [۱۴۶] موضوعی که با وجود رابطه وجوبی داشته باشد.

۳۱ [۱۴۶] واجب‌الوجود بالغیر

۳۲ [۱۴۵] یعنی وجود، ذاتی موضوع (خداوند) است و وجود خداوند ضروری و واجب است.

۳۳ [۱۴۶] وجود

۳۴ [۱۴۶] رابطه وجوبی (به واسطه علتش نه به واسطه ذاتش) - واجب‌الوجود بالغیر

۳۵ [۱۴۴] قضیه‌ای که در آن برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است (یعنی محال و ممتنع است که میان موضوع و محمول ارتباط وجود داشته باشد).

۳۶ [۱۴۵] خیر، این جمله نادرست است زیرا ممکن است موجودی حالت امکانی داشته باشد و علت وجود آن هنوز فراهم نشده است در حالی که ممتنع‌الوجود نمی‌تواند موجود باشد و وجود برای آن محال و ممتنع است. (موجوداتی که دارای حالت امکانی هستند در صورت تحقق علت خود، وجود پیدا می‌کنند).

۳۷ [۱۴۶] بله اما نه به صورت ذاتی، مثلاً رابطه ماهیت «انسان» با وجود یک رابطه امکانی است یعنی انسان می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد با فراهم بودن علت، وجود انسان ضروری می‌شود و «انسان» واجب‌الوجود می‌شود و موجود می‌گردد یعنی می‌توان گفت همه‌اشیایی که موجودند «واجب‌الوجود» هستند اما نه به صورت ذاتی بلکه به واسطه علت‌هایشان به عبارت دیگر این‌ها واجب‌الوجود بالغیر هستند.

۳۸ [۱۴۶] این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود ممکن‌الوجود هستند و با وجود رابطه امکانی دارند همین رابطه امکانی به ذات و ماهیت آنها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود واجب‌الوجود (بالغیر) شوند و در خارج تحقق یابند.

۳۹ [۱۴۶] زیرا عقلاً محال است که ممکن‌الوجود بدون علت وجودی از حالت امکانی خارج شود. مثلاً رابطه ماهیت «درخت» با «وجود» رابطه امکانی است، ذات درخت به گونه‌ای است که می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد و خود به خود نمی‌تواند از این حالت امکان و تساوی بین هستی و نیستی خارج شود این امر عقلاً محال است و خروج از این حالت امکان و تساوی به واسطه وجود علت امکان‌پذیر خواهد بود.

۴۰ [۱۴۵] الف) خدا = واجب‌الوجود

ب) پنجره چوبی کلاس ما = ممکن‌الوجود

ج) انسان چهار دست = ممکن‌الوجود

د) عدد ۲۵ زوج = ممتنع‌الوجود



پاسخ سؤال‌های ویژه امتحان برای کنکور

۴۱ [۱۴۴] رابطه‌ای که در آن محمول برای موضوع خود ضروری نیست و موضوع می‌تواند محمول را بپذیرد و هم نپذیرد مانند کاغذ سفید است کاغذ (موضوع) می‌تواند سفید باشد یا نباشد. رابطه‌ای که برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است یعنی محال و ممتنع است مانند عدد هشت فرد است و محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد.

۱ [۱۴۴] صحیح

۲ [۱۴۵] غلط، رابطه به ترتیب امکانی - امتناعی است.

۳ [۱۴۴] و [۱۴۵] صحیح

۴ [۱۴۴] و [۱۴۶] غلط، زیرا رابطه ضروری موضوع با وجود گاهی به واسطه ذات موضوع نیست بلکه به واسطه علت وجودی آن است. پس نمی‌توان به صورت کلی چنین قضیه‌ای را درست دانست.

۵ [۱۴۵] صحیح

۶ [۱۴۵] و [۱۴۶] غلط، زیرا دو کفه ترازو در ممکن‌الوجود نسبت به «وجود» و «عدم» در حالت تعادل قرار دارد.

۷ [۱۴۶] غلط، دو کفه ترازوی متعادل برای رابطه امکانی معنا دارد و برای ممتنع‌الوجود به کار برده نمی‌شود.

۸ [۱۴۶] غلط، کفه ترازو نامتعادل است ولی کفه وجود به وسیله علت به سمت پایین کشیده شده است.

۹ [۱۴۴] امکانی

۱۰ [۱۴۵] و [۱۴۶] ممکن‌الوجود

۱۱ [۱۴۵] و [۱۴۶] واجب‌الوجود بالغیر - ضروری

۱۲ [۱۴۵] و [۱۴۶] وجود - علت

۱۳ [۱۴۴] موضوع و محمول

۱۴ [۱۴۵] خروج از امکان و تساوی

۱۵ [۱۴۶] عقلاً محال

۱۶ [۱۴۶] علت وجود

۱۷ [۱۴۵] امکانی

۱۸ [۱۴۴] و [۱۴۵] امتناعی، زیرا تعداد موجودات زمین بی‌شمار (بسیار زیاد) است و نمی‌تواند بی‌نهایت باشد زیرا بی‌نهایت در خارج تحقق پیدا نمی‌کند.

۱۹ [۱۴۴] امکانی، زیرا برقراری ارتباط میان موضوع و محمول ممکن است یعنی ممکن است که دریای جیوه وجود داشته باشد و ممکن است که دریای جیوه وجود نداشته باشد، موضوع هم می‌تواند وجود را بپذیرد هم نمی‌تواند وجود را بپذیرد.

۲۰ [۱۴۵] و [۱۴۶] واجب‌الوجود، چون به واسطه علت وجودی اش وجود پیدا کرده نه به واسطه ذات خودش، واجب‌الوجود بالغیر نامیده می‌شود.

۲۱ [۱۴۴]، [۱۴۵] و [۱۴۶] «حمل وجود بر آن ممکن نیست»، رد گزینۀ: در عبارت «حمل وجود را نمی‌پذیرد» عدم پذیرش می‌تواند از نبود علت باشد که با فرض وجود علت ماهیت موجود می‌شود یعنی وجود را می‌پذیرد و عبارت «آنچه وجود خیالی یا فرض داشته باشد» شامل ممکن‌الوجود هم می‌شود.

۲۲ [۱۳۳] گزینۀ «ج»؛ در واقع واجب‌الوجود بالغیر همان ممکن‌الوجود بالذاتی است که وجود علت آن را از حالت امکانی خارج کرده و به واسطه علتش واجب‌الوجود شده و به همین خاطر به آن واجب‌الوجود بالغیر می‌گویند.

۲۳ [۱۴۵] و [۱۴۶] گزینۀ «ج»

۲۴ [۱۴۶] گزینۀ «د»؛ وقتی علت وجودی یک ماهیت فراهم شود آن ماهیت واجب‌الوجود می‌شود ولی این وجوب به واسطه علت است و در واقع علت ترازو را از حالت تعادل خارج می‌کند یعنی خروج از حالت امکانی و شکل (الف) که ترازو در حالت تعادل است بیانگر ممکن‌الوجود می‌باشد.

مثال	موضوع	رابطه موضوع با وجود	نام موضوع در رابطه با وجود
الف) خودکار در دست من آبی است.	خودکار در دست من	رابطه امکانی	ممکن الوجود
ب) انسان ناطق	انسان	رابطه امکانی	ممکن الوجود
ج) مثلث مربع شکل وجود دارد.	مثلث مربع شکل	رابطه امتناعی	ممتنع الوجود
د) خداوند وجود دارد.	خداوند	رابطه وجوبی	واجب الوجود

توجه ۱- گاهی در قضایا محمول وجود است یا مفاهیم دیگر مانند: (۱) درخت وجود دارد. (۲) درخت میوه دارد.

۲- موضوعی که ممکن الوجود است اگر علت وجودش، فراهم شود موجود می شود و واجب الوجود بالغیر نامیده می شود.

[۴۳] [۱۴۶] با بودن علت «وجود» برای موضوع ضروری می شود و واجب الوجود می گردد مانند انسان که با بودن علت آن وجود برایش ضروری می شود و انسان موجود می گردد و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود، در واقع همه اشیا یی که موجودند «واجب الوجود» هستند اما به واسطه علت هایشان نه به واسطه خودشان، به عبارت دیگر اینها «واجب الوجود بالغیر» هستند و هرگاه محمول قضیه ای به این دلیل که ذاتی موضوع خود می باشد برای آن موضوع «ضروری» و «واجب» است که به چنین رابطه ای رابطه ضروری می گویند.

[۴۴] [۱۴۶] گزینه «۳»؛ واجب الوجود بالغیر موجودی که ذاتاً ممکن الوجود است اما وجود آن واجب و ضروری گردیده به واسطه علتش، یعنی وجوب از ناحیه ذات خودش نیست بلکه از ناحیه علتش می باشد.

رد گزینه «۱»؛ واجب الوجود بالغیر بر حسب ذات خود ممکن الوجود است ولی این تعریف کامل نیست.

رد گزینه «۲»؛ ماهیت همان چیستی یک موجود است.

رد گزینه «۴»؛ یک ماهیت وجوب و ضرورت را از ناحیه علت خود دریافت می کند.

[۴۵] [۱۴۶] گزینه «۱»؛ شکل برای دوزنقه ذاتی است و برای موضوع خود یعنی دوزنقه ضروری و واجب است و غنی بالذات از صفات خداوندی باشد و غنی بالذات برای موضوع خود ضروری و واجب است.

رد گزینه «۲»؛ موجودات دارای حیات می تواند گیاه باشد می تواند گیاه نباشد. پس نسبت ضروری و واجب با موضوع خود ندارد.

رد گزینه «۳»؛ رابطه مولود کعبه با منحصر به فرد نیز رابطه امکانی است یعنی مولود کعبه می تواند منحصر به فرد باشد یا نباشد.

رد گزینه «۴»؛ رابطه چهارضلعی و دوزنقه نیز رابطه ای امکانی است.

[۴۶] [۱۴۵] گزینه «۴»؛ حمل دارای دو قطر مساوی برای مربع یک رابطه ضروری و وجوبی است و حمل دارای زاویه بر مستطیل نیز یک حمل ضروری است.

رد گزینه «۱»؛ حمل دوزنقه بر شکل رابطه امکانی است زیرا شکل می تواند دوزنقه باشد یا نباشد. مثلاً شکل می تواند مستطیل یا مربع یا مثلث باشد.

رد گزینه «۲»؛ حمل متساوی الاضلاع بر مثلث یک رابطه امکانی است. مثلث می تواند متساوی الاضلاع باشد یا نباشد. مثلث می تواند قائمه یا متساوی الساقین باشد.

رد گزینه «۳»؛ حمل دارای اضلاع بر مثلث نیز امکانی است دارای اضلاع می تواند مثلث باشد یا مستطیل یا مربع یا ... باشد.

مفاهیم کلیدی

- ۱۴۷ رابطه علیت ۱۴۸ تفاوت رابطه علیت با سایر روابط
- ۱۴۹ منشأ درک و پذیرش رابطه علیت از نظر فیلسوفان اروپایی ۱۵۰ منشأ درک و پذیرش رابطه علیت از نظر فیلسوفان مسلمان
- ۱۵۱ سنخیت علت و معلول ۱۵۲ وجوب علی و معلولی
- ۱۵۳ خلاصه و نتیجه

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

بلدبوم بلدنیوم

- ۱۴۷.۱ چند عبارت از بین عبارات زیر درست است؟
- از نخستین مسئله‌هایی که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به اندیشه وا داشته است چگونگی رابطه علت و معلول می‌باشد.
- انسان از ابتدای ظهور بر روی کره خاکی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده‌ها تلاش کرده است.
- چیزی را که به چیز دیگر وجود می‌دهد و آن را به وجود می‌آورد علت می‌گویند.
- معلول چیزی است که در وجود خود به دیگری نیازمند است و برعکس
- رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را رابطه علیت می‌گویند که در آن یک طرف به دیگری وجود دهد و نه برعکس
- کلمه «چرا» بازتابی از درک رابطه علیت و یافتن آن است.

- الف) چهار (ب) دو (ج) پنج (د) سه
- ۱۴۷.۲ رابطه علیت چگونه رابطه‌ای است؟
- ۱۴۷.۳ دو مفهوم «علت» و «معلول» را تعریف کنید.
- ۱۴۸.۱ چند عبارت از عبارات زیر نادرست است؟

- در روابط کارفرما و کارگر با فرض وجود دو طرف رابطه، کار و کارفرما، رابطه بین این دو فرد برقرار می‌گردد.
- در رابطه علیت یک طرف رابطه وجودش به طرف دیگر وابسته است مانند عقربه‌های ساعت و چرخ‌دنده‌ها.
- رابطه مادر و فرزند رابطه‌ای است که در آن یک طرف رابطه به طرف دیگر وجود می‌بخشد پس رابطه مادر و فرزند رابطه علیت است.

- الف) یک (ب) هیچ‌کدام (ج) سه (د) دو
- ۱۴۸.۲ تفاوت رابطه علیت با سایر روابط در چیست؟
- ۱۴۹.۱ چند عبارت از عبارات زیر درست است؟

- دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه بدست می‌آید و درک اصل علیت به صورت فطری است.
- در نظر دکارت انسان با درکی از اصل علیت زاده می‌شود و برای یافتن مصداق‌های علت و معلول به تجربه و آموزش نیازمند است.
- تجربه‌گرایان معتقدند هر چیزی را باید بر اساس حس و تجربه تحلیل کرد.
- تجربه‌گرایان درباره اصل علیت معتقدند که انسان از طریق حس رابطه ضروری میان علت و معلول را در می‌یابد و بنا می‌نهد.
- برخی فیلسوفان دیگر اروپایی از جمله کانت درباره اصل علیت همانند دکارت و فلاسفه مسلمان می‌اندیشند.

- الف) یک (ب) سه (ج) چهار (د) پنج
- ۱۴۹.۲ نظر هیوم درباره اصل علیت چیست؟
- ۱۵۰.۱ چند عبارت از عبارات زیر نادرست هستند؟

- دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می‌زنند تا از توالی و تکرار حوادث علل آن‌ها را دریابند.
- قاعده علیت مبتنی بر تلاش تجربی است زیرا با مشاهده حرکتی یا شنیدن صدا، فرد به دنبال منشاء صدا و عامل حرکت برمی‌آید.
- اصل امتناع اجتماع نقیضین به این معنا است که یک چیز نمی‌تواند هم خودش باشد و هم غیر خودش، نمی‌تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد.
- انسان بنا بر اصل امتناع اجتماع نقیضین اصل علیت را در می‌یابد و اینکه پدیده‌ها خود به خود به وجود نمی‌آیند.
- از نظر فیلسوفان مسلمان انسان، با درک اصل امتناع اجتماع نقیضین درمی‌یابد پدیده‌ها خود به خود به وجود نمی‌آیند. دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند.

- الف) دو (ب) سه (ج) چهار (د) پنج
- ۱۵۰.۲ از نظر فلاسفه مسلمان درک اصل علیت چگونه صورت می‌گیرد؟

۱۵۱.۱ چند عبارت درست است؟

- انسانها به طور طبیعی و با عقل خود حقیقت اصل سنخیت را قبول دارند و طبق همین اصل رفتار می‌کنند.
- انسان برای باسوادشدن درس می‌خواند و برای سلامتی ورزش می‌کند این امور نشان دهنده این است که انسان‌ها به‌طور تجربی اصل سنخیت را قبول دارند.
- برخی فیلسوفان اصل سنخیت را یک اصل عقلی می‌دانند که از نتایج این اصل می‌توان به این نکته اشاره کرد که انسان از هر چیز انتظار آثار متناسب با آن را دارد.

- برای اینکه بدانیم از هر علتی کدام معلول پدید می‌آید از تجربه کمک می‌گیریم.

- رفتن سراغ عوامل متناسب با پدیده و پی‌گیری تحقیقات علمی، بیانگر آن است که دانشمندان به اصل سنخیت معتقدند.

الف) چهار (ب) پنج (ج) سه (د) دو

۱۵۱.۲ اصل سنخیت را با مثال توضیح دهید.

۱۵۲ اصل وجوب علی و معلولی را توضیح دهید.

۱۵۳.۱ چند عبارت از عبارات زیر نادرست است؟

- هر چیزی منشاء هر چیزی نیست و نظم و قانون مندی‌های معین میان دسته‌های مختلف وجود دارد که بیانگر پذیرش اصل علیت است.
- نتیجه پذیرش اصل وجوب علی و معلولی این است که جهان تابع رابطه‌ای حتمی و ضروری است.
- اگر معلول تحقق یابد و وجودش ضروری و حتمی گردد به این معناست که علت آن با تمام حقیقت خود تحقق یافته است.
- کاشت بذر گندم، آبیاری آن، و درو کردن گندم نشان دهنده کار کشاورز بر اساس اعتقاد به اصل سنخیت علی و معلولی است.

الف) سه (ب) چهار (ج) دو (د) یک

۱۵۳.۲ لازمه پذیرش اصل علیت چیست؟ نتیجه پذیرش این اصل را بنویسید.

پاسخ

۱۴۷.۱ [۱۴۷.۳] گزینه «الف»	۱۴۷.۲ [۱۴۷.۴] صفحه ۱۴ کتاب درسی	۱۴۸.۱ [۱۴۸.۱] گزینه «د»	۱۴۸.۲ [۱۴۸.۲] صفحه ۱۴ پاراگراف آخر کتاب درسی
۱۴۹.۱ [۱۴۹.۱] گزینه «ج»	۱۴۹.۲ [۱۴۹.۲] صفحه ۱۷ کتاب درسی	۱۵۰.۱ [۱۵۰.۱] گزینه «ب»	۱۵۰.۲ [۱۵۰.۲] صفحه ۱۸ کتاب درسی
۱۵۱.۱ [۱۵۱.۱] گزینه «الف»	۱۵۱.۲ [۱۵۱.۲] صفحه ۱۹ کتاب درسی	۱۵۲.۱ [۱۵۲.۱] گزینه «ج»	۱۵۲.۲ [۱۵۲.۲] صفحه ۲۰ کتاب درسی



[حد اکثر زمان مطالعه: ۹۰ دقیقه] - [زمان شما:]

مفاهیم آموزشی

۱۴۷ رابطه علیت

رابطه میان علت و معلول و جایگاه این رابطه در هستی موضوعی است که عموم فیلسوفان درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. مسئله علت و معلول یکی از کهن‌ترین مسائل فلسفی است و شاید نخستین مسئله‌ای است که فکر بشر را به خود متوجه ساخته زیرا انسان از همان ابتدای حضور در کره خاکی به دنبال یافتن علت پدیده‌ها بوده است.

تعریف علت: ۱- چیزی است که به چیز دیگر وجود می‌دهد و آن را به وجود می‌آورد.

۲- تا علت نباشد آن چیز به وجود نمی‌آید.

تعریف معلول: ۱- چیزی که وجودش را از چیز دیگر یعنی همان علت می‌گیرد.

۲- در وجود خود به دیگری نیازمند است.

رابطه علیت: رابطه وجود بخشیدن علت به معلول را رابطه علیت می‌گویند.

رابطه علیت رابطه‌ای وجودی است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌بخشد.

کلمه چرا بازتاب درک رابطه علیت در ذهن انسان است. وقتی انسان «چرا» می‌گوید به دنبال یافتن علت یک پدیده در حادثه است.

کلمه چرا یعنی «به چه علت؟»، «علت این حادثه چیست؟»

واقعیت	ذهن
علت	دلیل
↓	↓
معلول	نتیجه

تکلمه در تفاوت علت و دلیل می‌توان گفت:

علت: ۱- مفهومی هستی‌شناسانه است و ۲- با امور واقعی و خارج از ذهن در ارتباط است ۳- و در عالم واقع مصداق دارد.

دلیل: ۱- مفهومی معرفت‌شناسانه است. ۲- به امور ذهنی و به آنچه در ذهن انسان مطرح است، مرتبط است.

مثال علت شکسته شدن شیشه در خارج از ذهن ضربه سنگ است و وقتی در ذهن به این مسئله می‌پردازیم به دنبال دلیل شکسته شدن شیشه هستیم.

۱۴۸ تفاوت رابطه علیت با سایر روابط

در رابطه علیت وجود یک چیز **ضرورتاً وابسته** به وجود دیگری است:
 اگر علت باشد معلول آن هم حتماً خواهد بود ← بودن علت = بودن معلول
 اگر علت نباشد معلول آن هم نخواهد بود ← نبودن علت = نبودن معلول
 در روابطی مانند رابطه ائکا، دوستی، تعادل و ... ابتدا وجود دو طرف رابطه فرض می‌شود، سپس رابطه بین آن‌ها (دوستی، ائکا و ...) برقرار می‌شود. مانند رابطه دوستی که در ابتدا وجود دو طرف فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌گردد.
 یا اگر رابطه بین اجزاء ساعت مانند چرخ‌دهنده‌ها، عقربه‌ها و ... نباشد، رابطه نظم بین آن‌ها به وجود نمی‌آید.

+ ۱۴۹ منشأ درک و پذیرش رابطه علیت از نظر فیلسوفان اروپایی

برای هر انسانی درباره علیت ممکن است سؤالاتی پیش بیاید مانند اینکه:
 الف) انسان از کجا رابطه علیت را دریافته و آن را پذیرفته است؟
 ب) در صورت وجود علت آیا ضرورتاً و حتماً معلول هم موجود می‌شود؟
 ج) آیا انسان علیت را از طریق تجربه و حس دریافت کرده است یا از راه عقل و استدلال عقلی و یا از راهی دیگر؟

دکارت

- ۱- بدون دخالت تجربه به دست می‌آید.
- ۲- جزء اصول اولیه‌ای است که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند.
- ۳- هر انسانی با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود.
- ۴- درک این رابطه نیاز به تجربه و آموزش ندارد.
- ۵- پذیرش و قبول این رابطه (علیت) مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است.
- ۶- یافتن مصداق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

نتیجه از نظر دکارت ادراک اصل علیت، کاملاً عقلی است.

تجربه‌گرایان

تجربه‌گرایان (امپریست‌ها) گروهی هستند که هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند.

- ۱- انسان از طریق حس، توالی یا هم‌زمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند.
- ۲- رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی‌یابد و به رابطه علیت پی می‌برد و از این طریق رابطه علیت را درک می‌کند و بنا می‌نهد.
- ۳- مثلاً انسان از توالی روشن شدن زمین با آمدن خورشید و توالی تاریک شدن زمین با ناپدید شدن آن، متوجه وجود رابطه‌ای ضروری (علیت) میان این دو پدیده (خورشید و روشنایی) می‌شود.

هیوم

هیوم، فیلسوف تجربه‌گرایی قرن ۱۸ انگلستان معتقد است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است.

- ۱- رابطه ضروری میان علت و معلول را از طریق حس و مشاهده حسی نمی‌توان به دست آورد و باید برای آن یک راه تجربی دیگر پیدا کرد.
- ۲- حس فقط می‌تواند اجسام، رنگ‌ها، شکل‌ها و اموری از این قبیل را دریافت کند، مثلاً چشم می‌بیند که با آمدن خورشید زمین روشن می‌شود.
- ۳- رابطه ضروری میان آمدن خورشید و روشنی زمین از طریق حس قابل مشاهده نیست.

- ۱- بر اثر تکرار مشاهده آمدن خورشید و روشن شدن زمین در ذهن انسان چنین منعکس می‌شود که میان این دو (آمدن خورشید و روشنی زمین) رابطه‌ای ضروری وجود دارد.
- ۲- این انعکاس ذهنی را هیوم «تداعی» می‌نامد.
- ۳- تداعی علیت، یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده‌ها می‌باشد.

+ ۱۵۰ منشأ درک و پذیرش رابطه علیت از نظر فیلسوفان مسلمان

- ۱- اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید.
- ۲- این اصل عقلی (علیت) پایه و اساس هر تجربه‌ای است.
- ۳- دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرش اصل علیت دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند.



۱۵۱ سنخیت علت و معلول

- چگونگی پی بردن به اصل علیت از نظر فلاسفه مسلمان:
- ۱- انسان از بدو تولد و به طور مادرزادی با این قاعده آشنا نیست.
 - ۲- با شکل‌گیری ذهن انسان متوجه می‌شود که (۱) وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی‌شود. (۲) یک چیز نمی‌تواند هم خودش باشد هم غیر خودش (مثلاً نمی‌شود که یک مثلث هم مثلث باشد هم غیر مثلث) و همچنین درمی‌یابد که یک چیز نمی‌تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد.
 - ۳- این دریافت ذهنی انسان را منطق دانان و فیلسوفان «اصل امتناع اجتماع نقیضین» می‌نامند.
- از نتایج پذیرش اصل «امتناع اجتماع نقیضین» این است که
- ۱- پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند.
 - ۲- اینکه چیزی خودش به وجود بدهد به معنای آن است که چیزی که نیست باید قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد که همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.
- پس با شکل‌گیری ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین است که
- ۱- کودک با شنیدن صدا به دنبال منشأ آن برمی‌آید.
 - ۲- یعنی کودک درمی‌یابد که حوادث خودبه‌خود رخ نمی‌دهند و دارای علل و عواملی هستند.
 - ۳- در نتیجه کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد (اگرچه خود اصل علیت از این طریق به دست نمی‌آید).
- انسان علاوه بر درک اینکه هر حادثه علتی دارد درمی‌یابد که هر علتی معلول خاص خودش را پدید می‌آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می‌شود و پدید می‌آید. فلاسفه این اصل را سنخیت میان علت و معلول می‌گویند. مانند اینکه برای باسواد شدن باید درس خواند.

- ۱- انسان‌ها به طور طبیعی و با عقل خود این حقیقت را می‌پذیرند و مطابق آن رفتار می‌کنند.
 - ۲- اصل سنخیت یک اصل عقلی مانند اصل علیت است.
 - ۳- از نتایج این اصل این است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد.
- انسان می‌کوشد
- ۱- به شناخت ویژگی‌های هر شیء دست یابد.
 - ۲- به تفاوت آن شیء با اشیای دیگر پی ببرد.
 - ۳- تا بتواند آثار ویژه هر شیء را شناسایی کند.
- برای اینکه بدانیم از هر علتی کدام معلول پدید می‌آید
- ۱- باید از تجربه کمک بگیریم.
 - ۲- باید از طریق تجربه آثار و معلول‌های هر علت را شناسایی کنیم.
- نتایج اصل سنخیت
- ۱- پشتوانه نظم دقیق جهان است.
 - ۲- دانشمندان با تکیه بر همین اصل تحقیقات خود را پیگیری می‌کنند.
 - ۳- وقتی دانشمندی می‌خواهد علت پدیده‌ای را بشناسد به سراغ عواملی که تناسب بیشتری با آن پدیده دارند می‌رود تا بتواند به علت ویژه آن پدیده دست یابد.

۱۵۲ وجوب علی و معلولی

- اصل وجوب علی و معلولی:
- ۱- معلول با قطع نظر از علت امکان ذاتی دارد یعنی ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم مساوی است. علت، آن را از این حالت امکانی خارج می‌سازد.
 - ۲- با آمدن علت، وجود معلول ضروری می‌شود و موجود می‌گردد. (آنچه به معلول ضرورت وجود می‌دهد، علت است.)
 - ۳- این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را وجوب علی و معلولی می‌گویند.
- مانند: وقتی به در بسته‌ای فشار می‌آوریم (فشار در متناسب با آن است) انتظار داریم که در، باز شود یعنی با فشار دست و بقیه شرایط انتظار داریم که حتماً باز شود.

۱۵۳ خلاصه و نتیجه

تأثیر و نتیجه پذیرش اصل وجوب بخشی علت به معلول	تأثیر و نتیجه پذیرش اصل سنخیت میان علت و معلول
۱- جهان تابع رابطه‌ای حتمی و ضروری است.	۱- نظم خاصی در جهان برقرار است.
۲- با تحقق (وجود) علت، یقین پیدا می‌کنیم که تحقق معلول ضروری است.	۲- هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی شود.
۳- در نظام هستی تحلف‌ناپذیری و حتمیت وجود دارد.	۳- نظم و قانونمندی‌های معین میان دسته‌های مختلف پدیده‌ها وجود دارد.
۴- باغبان بر همین اساس بذری می‌کارد و آن را آبیاری می‌کند و راننده بر همین مبنا خودروی خود را می‌راند.	۴- کشاورز، صنعتگر و هر کسی که در یک کار خاص وارد شده و برای آن برنامه‌ریزی کرده متوجه همین اصل بوده است.